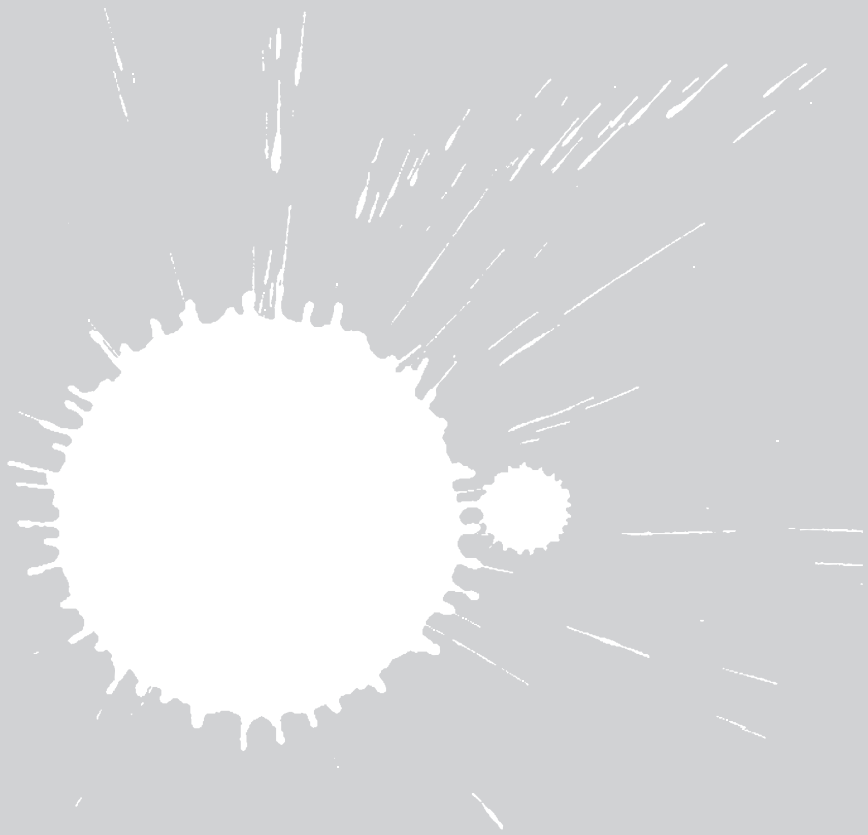


اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ





طلوع رحمت

ويژه ربيع الاول و ربيع الثاني ٩٣



- پیشگفتار..... ۰۷
- بخش اول؛ اصول فنی ۱۷
- بخش دوم؛ در محضر اساتید..... ۲۳
- بخش سوم؛ برگی از تاریخ..... ۲۹
- فصل اول؛ غریب سامرا..... ۳۰
- فصل دوم؛ رحمة للعالمین و امام آسمان ها ۳۲
- فصل سوم؛ امام خوبی ها ۳۶
- فصل چهارم؛ شفیعهٔ محشر..... ۴۰
- بخش چهارم؛ اشعار منتخب..... ۴۳
- فصل اول؛ مناجات با امام زمان علیه السلام..... ۴۴
- فصل دوم؛ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام..... ۸۴
- فصل سوم؛ آغاز تاجگذاری امام زمان علیه السلام..... ۵۵
- فصل چهارم؛ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام..... ۶۵
- فصل پنجم؛ ولادت امام عسکری علیه السلام..... ۸۶

۲۸	فصل ششم؛ وفات حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
۹۰	فصل هفتم؛ بصیرتی - اجتماعی
۹۹	بخش پنجم؛ گلچین مجالس مداحان
۰۰۱	فصل اول؛ شهادت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۶۰۱	فصل دوم؛ ولادت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امام صادق <small>علیه السلام</small>
۹۲۱	فصل سوم؛ ولادت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۶۳۱	فصل چهارم؛ وفات حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
۱۴۰	فصل پنجم؛ شور حسینی
۱۴۴	فصل ششم؛ شور علوی
۱۴۵	فصل هفتم؛ نواهای بصیرتی
۱۵۳	بخش ششم؛ سبکهای یاس کبود

شکفتار

ظلمت جاهلیت جهان را فرا گرفته است، همه جا تاریکی و شب است، خفاش‌ها رهبری و هدایت مردم را به سوی گمراهی به دست گرفته‌اند. بت‌ها مورد پرستش هستند و بتخانه‌ها بازار گرمی دارند. خدا فراموش شده و از یادها رفته است. دلها همچون سنگ سفت و سخت شده‌اند و چون کویر شوره‌زاری بیش نیستند. جان‌ها به لب آمده است و نفس‌ها خسته‌اند. آه مظلومان بلند است و گویا منتظر رسیدن صبح هستند، صبح روشن با هوایی تازه و این انتظار به پایان می‌رسد و ناگهان، طلوع عشق، طلوع بهار، طلوع زندگی و طلوع رحمت؛ از آسمان ندا می‌رسد: محمد آمد،

محمد، رحمة للعالمین...

به راستی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای مردم شایسته کردار و با ایمان و نیز مردم بداندیش و کفرگرا، رحمت است چرا که وجود گرانبمایه او برای مردم با ایمان به خاطر هدایت به سوی حق و عدالت با گفتار و عملکرد شایسته و ارائه الگوی نیکو در دنیا و شفاعت در آخرت، رحمت است و برای مردم کفرگرا و حق ستیز در این جهان مایه رحمت از همه نابودی و عذاب و مسخ شدگی و انواع بلاها و گرفتاری‌ها است.

دشمنت هم ز تو جز رحمت و ایثار ندید

خوش به حال دل آن کس که شد از یارانت

وجود نورانی پیامبر رحمت و مهربانی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» خداوند مرا مبعوث کرد تا رحمتی برای جهانیان باشم. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۷۹، ص ۲۵۰) امید است بتوانیم قدردان رحمت و مهر این پیامبر عظیم‌الشان باشیم و دستانمان را از دامن پر مهرش جدا ننماییم.

کتاب «طلوع رحمت» برگ سبزی است تحفه درویش تقدیم به ساحت شریف حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وجود مقدس و نازنین حضرت صاحب‌الامر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام. به امید گوشه چشمی...

این کتاب شامل شش بخش کلی می‌باشد:

• اصول فنی

• در محضر اساتید

• برگ‌های تاریخی که شامل چهار فصل می‌باشد:

۱. غریب سامرا

۲. رحمه للعالمین و امام آسمان‌ها

۳. امام خوبی‌ها

۴. شفیعه محشر

• اشعار منتخب که دارای هفت فصل می‌باشد:

۱. مناجات با امام زمان عجل الله فرجه

۲. شهادت امام عسکری علیه السلام

۳. ایام تاجگذاری امام زمان عجل الله فرجه

۴. ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام

۵. ولادت امام عسکری علیه السلام

۶. وفات حضرت معصومه علیه السلام

۷. بصیرتی - اجتماعی

• گلچین مجالس مداحان که شامل هفت فصل می‌باشد:

۱. شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

۲. ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام

۳. ولادت امام عسکری علیه السلام

۴. وفات حضرت معصومه علیه السلام

۵. شور حسینی

۶. شور علوی

۷. نواهای بصیرتی

• سبکهای یاس کبود

لازم به ذکر است:

➤ بخش بزرگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب

معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین

تدوین گردیده است.

➤ بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری

موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .

➤ همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی که توسط مداحان اهل بیت علیهم السلام در ایام ربیع سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.

➤ متن جزوه به ترتیب مناسبت‌های ماه ربیع می‌باشد.

➤ بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در مجمع ادبی مذهبی یاس کبود می‌باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبت‌های ماه ربیع در اختیار عزیزان قرار گیرد.

➤ بخش سبکهای تولیدی، از سبکهای تولیدی اعضای کانون مداحان یاس کبود تهیه گردیده است.

نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:

۱. هدف از جمع‌آوری این جزوات عبارت است از:

- دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت علیهم السلام پیرامون مناسبت‌های ایام ربیع
- در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه‌های اجرا شده مناسبت‌های این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت علیهم السلام

- دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده.

- دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات

غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد.

۲. اشعار متوسط و قوی به صورت توأمان در این مجموعه ملاحظه خواهد شد.

۳. صوت برخی از اشعار - برای آشنایی ذاکرین محترم - در سی‌دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه‌جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی‌ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.

۴. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند، حذف گردیده‌اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیه عزیزانی که ما را از نقطه نظرات خود بهره‌مند می‌سازند، پیشاپیش تشکر و قدردانی می‌نماییم.

گروه جزوات فوق برنامه

کانون مداحان یاس کبود

منویات ولایت

محبت و عطف و منطقی

از اول تاریخ تشیع تا امروز، یک عنصر اصلی و اساسی در تشیع و جریان تشیع، همین جریان عاطفی است؛ البته عاطفه‌ی متکی به منطق، عاطفه‌ی متکی به حقیقت، نه عاطفه‌ی پوچ. لذا شما در قرآن هم ملاحظه می‌کنید که اجر رسالت، محبت و مودت در قربی است؛ «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی»^۱. این خیلی نکته‌ی مهمی است که باید به آن توجه داشت. خدشه‌دار کردن این محبت به هر شکلی و به هر صورتی، خیانت به جریان عظیم محبت اهل بیت و پیروی اهل بیت است. این محبت را باید حفظ کنید. لذا شما می‌بینید در دوران ائمه علیهم‌السلام این همه محدثین، این همه شاگردان آگاه و فقهای بزرگ در خدمت امام صادق علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام و ائمه‌ی دیگر بودند، معارف را نقل کردند، احکام را نقل کردند، شرایع را نقل کردند، اخلاقیات را نقل کردند، شنیدند و نقل و ثبت کردند؛ اما در کنار همه‌ی اینها، باز وقتی انسان درست نگاه می‌کند، می‌بیند نگاه به دعبل خزاعی است، نگاه به

سید حمیری است، نگاه به کمیت بن زید اسدی است. در حالی که امثال زراره و محمد بن مسلم و بزرگانی از این قبیل در دستگاه ائمه علیهم السلام هستند، اما امام رضا علیه السلام دعبل را می‌نوازد؛ امام صادق علیه السلام سید حمیری را مورد توجه و محبت قرار می‌دهد؛ این به خاطر این است که آن جنبه‌ی ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز، در شعر شاعران، مدح مادحان و ذکر ذاکران، به نحو اتمّ و اوفی وجود دارد، اما در دیگر جاها وجود ندارد؛ یا اگر هست، ضعیف است؛ یا اینجوری بگوئیم، تأثیرگذاری آن ضعیف است. شعر، مدح، ذکر، این نقش را در تاریخ تشیع دارد.

بهره‌برداری صحیح از فرمایشات اهل بیت علیهم السلام

خوب، امروز شما اکثر افرادی که در این جلسه حضور دارید، مادحان و ذاکران و ستایشگران اهل بیت علیهم السلام هستید؛ پس این مرتبه‌ی بالائی است. قصد من این نیست که شما را برای این حرفه‌ای که در پیش گرفتید یا مسئولیتی که بر دوش گرفتید - که یقیناً با محبت و عشق همراه است - تثبیت کنم؛ خوب، این تحصیل حاصل است؛ شما در این مسیر با میل و اراده و علاقه‌ی خودتان وارد شدید و ان شاء الله مشمول توجهات و ثواب الهی و توجه اهل بیت علیهم السلام هم قرار دارید؛ اما مقصود من این است که این جریان را درست بشناسیم و آنچنان که مورد توجه ائمه علیهم السلام است، از آن بهره‌برداری کنیم. من می‌خواهم این را عرض بکنم به شما برادران عزیز که ذاکر اهل بیت هستید و در سلسله‌ی مداحان و جامعه‌ی مداحان و

ذاکران اهل بیت قرار دارید. این کار، کار شریفی است؛ کار ارزشمندی است؛ در بقای تشیع، در حفظ ایمان شیعی و معرفت شیعی و پیروی از اهل بیت علیهم السلام نقش آفرین است؛ این را قدر بدانید.

مداح یا مبلغ دین اسلام

یکی از عواملی که می‌تواند این کار بزرگ را انجام دهد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هرچه بیشتر محبت اهل بیت علیهم السلام در دلها و در روحهای انسانهاست؛ این مسئولیتی است که امروز همه‌ی ما داریم؛ مداحان هم بخشی از این مسئولیت را دارند، که بخش مهمی هم هست. با این چشم به حرفه‌ی مداحی نگاه کنید. وقتی آنجا می‌ایستید برای خواندن، احساس کنید که به عنوان یک مبلغ دین، به عنوان یک پیام‌آور حقائق دینی، در اثرگذارترین شکل، آنجا ایستاده‌اید. اگر این احساس وجود داشت، آن وقت انتخاب شعر محدودیت پیدا می‌کند، کیفیت ادا محدودیت پیدا می‌کند، انسانهایی که میخواهند این مسئولیت را انجام بدهند، محدودیت پیدا می‌کنند؛ چاره‌ای هم نیست. این کار را خود شما باید بکنید؛ کار خود مداحهاست.^۱

۱. خلاصه‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ذاکرین اهل بیت علیهم السلام ۱۳/۳/۸۹.

وصیت نامه شهدا

شهید جواد احسانی

با سلام بر یگانه منجی عالم بشریت، آقا امام زمان عجل الله فرجه و نایب بر حق ایشان، امام امت، یاور مستضعفین و با سلام و درود بیکران بر خانواده‌های این عزیزان. سلام بر پدر و مادر عزیزم، امیدوارم که این فرزند نا قابل خود را حلال کرده و برایم همیشه نزد خدای مهربان، دعا کنید و از رفتن من هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهید، بلکه افتخار هم بکنید که این امانت الهی را خوب به مقصد رسانده‌اید. مادر جان، تو باید مانند زینب باشی که در برابر آن همه مصائب کربلا، با اراده و هدفش همچنان

استوار باقی ماند. از همه برادران عزیزم می‌خواهم که این برادر خود را به بزرگواری خود ببخشند. از کلیه دوستان و آشنایان می‌خواهم که این بنده حقیر را ببخشند.



شهید سید حسن یاسینی

الان زمانی است که دیگر باید از خواب خرگوشی بیدار شد و دید که ما در چه زمانی قرار گرفته‌ایم. باید هوشیار باشید که وظیفه شما در این زمان چیست. الان زمانی است که باید دشمن را به زانو درآورد.



نخستین اصول؛
اصول فنسے

اختلالات زیروبمی صدا

گاهی در بحث زیر و بمی صدا اختلالاتی رخ می‌دهد، این اختلالات عبارتند از:

- الف: زیر و بمی یکنواخت
- ب: زیر و بمی نامناسب
- ج: قطعی زیر و بمی

الف: زیر و بمی یکنواخت:

در این حالت فرد در طول گفتار با فقدان تغییرات در زیر یا بمی صدا مواجه است بطوریکه از دید شنونده گفتار وی یکنواخت و کسل کننده است. در برخی موارد شخص مورد نظر اصولاً توانایی ایجاد تغییر در زیر یا بمی صدای خود را ندارد. زیر و بمی یکنواخت یکی از علائم صدمات عصبی محسوب می‌شود. همچنین ممکن است در اثر ویژگیهای شخصیتی و مشکلات روانی بوجود آید.

ب: زیر و بمی نامناسب:

در این حالت زیر یا بم بودن صدا، با توجه به سن و جنس فرد غیر طبیعی است بعنوان مثال زنی که صدای او بم و مردانه شده و مردی که صدایش کاملاً زنانه به نظر می‌رسد به زیر و بمی نامناسب مبتلا شده‌اند. زیر و بمی صدا به

اندازه حنجره و تارهای صوتی بستگی دارد. یک صدای بیش از حد زیر ممکن است به علت مشکلاتی چون عدم رشد طبیعی حنجره بر اثر اختلالات هورمونی باشد. صدای بیش از حد بم نیز می‌تواند به علت پرکاری تیروئید و یا استفاده از هورمون در زنان باشد. همچنین زیر یا بمی بیش از حد می‌تواند به دلیل مشکلات عاطفی و یا در اثر عادت بوجود آمده باشد.

ج: قطعی زیروبمی:

در این اختلال زیر یا بمی صدای فرد ناگهان و بطور غیر منتظره تغییر می‌کند. این مشکل در مردان جوانی که در دوران بلوغ به سر می‌برند و صدایشان در حالت تغییر به صدای بم و مردانه می‌باشد، بیشتر دیده می‌شود. مشکلات عاطفی دوران بلوغ، ضایعات حنجره و ناتوانی اعصاب حنجره‌ای از جمله علل ایجاد قطع زیر و بمی می‌باشد.^۱

نکات کلی پیرامون زیروبم صدا

آیا زیروبمی صدا قابل تغییر است؟

از نظر علمی ممکن است، مثلاً برخی از داروها در طول و ضخامت تارهای صوتی تأثیر می‌گذارند و در نتیجه استفاده از این داروها ممکن است صدا زیرتر یا بم تر می‌شود، اما این کار به علت مضراتی که دارد توصیه نمی‌شود.

۱. چگونه از حنجره و صدای خود مراقبت کنیم؟، دکتر مسعود قاسمی و مهدی دارویی،

چه کنیم صدایمان پخته شود؟

برخی از هنرجویان سؤالی برایشان مطرح می‌شود که چه کنیم صدایمان کلفت شود؟ وقتی در جواب به این افراد می‌پرسیم مثلا دوست دارید صدایتان مثل چه کسی شود؟ نام کسی را می‌برند که می‌بینیم اتفاقا این فرد صدایش زیر است اما به علت ممارست صدایی پخته دارد. از این رو پی می‌بریم که منظور این افراد در سؤال این است که چه کنیم صدایمان پخته شود؟ در جواب باید گفت؛ با تمرین و ممارست و کسب تجربه، به مرور صدا پخته و جا افتاده خواهد شد.

از صدای چه کسی تقلید کنیم؟

چارچوب کلی فراگیری مداحی شامل دو مرحله کلی می‌شود که عبارت است از: مرحله تقلید و مرحله استقلال. عزیزانی که در مرحله تقلید هستند گاهی سؤال می‌کنند از صدای چه کسی تقلید کنیم؟ گویا ریشه این سؤال این است که شاید شباهت با صدای استاد هنرجو را دریادگیری کمک کند. در جواب این افراد می‌گوییم: آن چه باید مورد تقلید واقع شود سبک و روش مداحی است که غالبا ممکن است با صداهای مختلف پیاده شود؛ در نتیجه سبک و روش صحیح و مورد تأیید اساتید با صداهای مختلف برای افراد مختلف با تن صدای مختلف قابل تقلید است و اساسا نباید از صدای استادی تقلید کرد و نباید در خواندن، تن صدا را تغییر داد. البته ناگفته نماند که اگر استادی یافت شد که هم سبکش مورد تأیید اساتید است و هم صدای ما

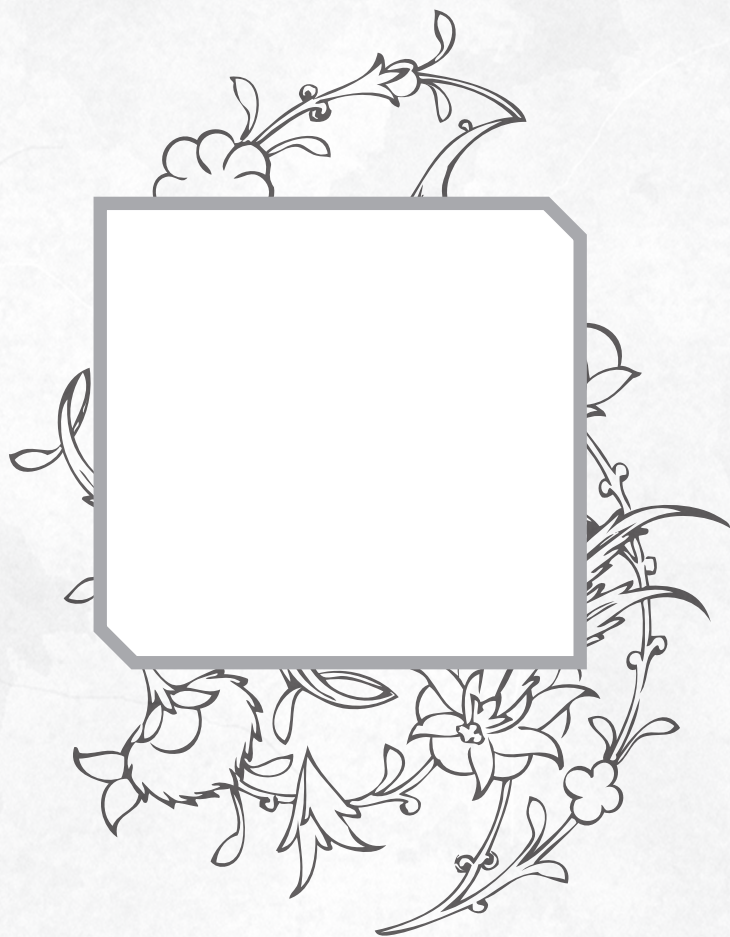
به تن صدای او نزدیک است، برای الگوی تقلید مناسبتر به نظر می‌رسد.


از سبک چه کسی تقلید کنیم؟

همانطور که در بحث قبل بیان شد، چارچوب کلی فراگیری مداحی شامل دو مرحله کلی می‌شود که عبارت است از: مرحله تقلید و مرحله استقلال. در مرحله تقلید باید به پیشنهاد و تحت نظر اساتید الگوهای مورد نظر را بیاموزیم و در مرحله استقلال گلهای خواندن اساتید مختلف را بچینید و از کسی تقلید کنید که خواندندش را دوست دارید.

برای مداحی کدام نوع صدا بهتر است؟

گاهی هنرجویان می‌پرسند: برای مداحی کدام نوع صدا بهتر است؟ در جواب باید دانست که می‌توان خواندن را به دو روش کلی برگزار کرد؛ الف) به روش فن محور: که محوریت آن با رعایت فنون و هنر مداحی است ب) به روش محتوا و معنویت محور: که اساس آن محتوا و معنویات است. در مداحی فن محور صدای زیر و بم هر یک خصوصیت خاص خود را دارند و در بخشهایی بهتر به نظر می‌رسند اما برای مداحی محتوا محور و معنویت محور، تفاوتی بین صداها نیست و صدا مرکبی است که محتوا را به مستمع منتقل می‌کند که حاصل این انتقال محتوا بایستی رشد و ارتقای معنوی باشد.



A decorative border of black line art flowers and leaves surrounds a central white box. The flowers include tulips and daisies, with some buds and leaves extending into the corners of the page.

نخستین دوم؛
در محضر اساتید

چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنیم؟

در مقابل واجبات الهی هیچ معارضی وجود ندارد، شما صبح تا شب نماز بخوانید و روزه بگیرید کسی متعرض نمی‌شود اما یک سری احکام الهی هستند که معارض پیدا می‌کنند مانند جهاد و امر به معروف.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌دانیم؛ کافی است همین یک حدیث را بیاموزیم تا اهمیت امر به معروف را بدانیم، امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْمَرْبِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ» - همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق - چون همه فریضه‌های دیگر به واسطه امر به معروف و نهی از منکر احیا می‌شود ولی ما اهمیتش را نمی‌دانیم فلذا بی تفاوتیم. پیامبر فرمودند: «خدا از مومنی که دین ندارد نفرت دارد» گفتند: مومنی که دین ندارد کیست؟ فرمود: «کسی که نهی از منکر نمی‌کند» به واجب بودنش توجه نداریم، اگر نمازمان دیر شود دلمان آشوب دارد که دیر شد، ولی اگر جایی یک نفر مرتکب منکر شود و ما او را نهی نکنیم، دلمان آشوب ندارد و احساس تکلیف نمی‌کنیم. امر به معروف مستحب نیست! واجب است؛ اگر امر به معروف نکردیم باید استغفار کنیم.

چون نتایج خطرناک و ویرانگر ترکش را نمی دانیم، نمی دانیم اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنیم چه اتفاقی می افتد!

می ترسیم مبدا اتفاق ناگواری بیافتد، امیر المومنین علیه السلام جواب این ترس را می دهند، می فرمایند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرِّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ» - امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می کنند و نه از روزی کم می نمایند - چند میلیون نفر در سال امر به معروف می کنند؛ حالا یک نفر آدم ناجور پیدا می شود که به او ضربه بزند، آیا به واسطه آن یک نفر باید امر به معروف را ترک کرد؟! سالی بیست هزار نفر سوار ماشین می شوند، تصادف می کنند و می میرند؛ آیا دیگر ما سوار ماشین نمی شویم؟ در جایی که امر و نهی خیلی مهم است آنجا دیگر برای جان دادن هم باید آماده بود؛ امام حسین علیه السلام فرمود: «وَأَمَّا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّ يَأْرِيْدُ أَنْ أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» در جایی که طاغوتی مانند آمریکا هست برای امر به معروف جان هم باید داد، البته برای مسائل کوچک باید وزن کشید. ما هم اشتباه می کنیم و امر به معروف و نهی از منکر را با زبان تند انجام می دهیم. ناامیدی دلیل و حجت برای ترک امر به معروف نمی شود، اگر ما بخواهیم مایوس شویم و بگوییم «انقدر زیاد شده است! من چه بگویم؟ به کی بگویم؟!»، «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ

۱. غررالحکم، ج ۲، ص ۶۱۱، ح ۳۶۴۸.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

عَلَبْتُ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ۱ - چه بسا که عده‌ای اندک بر گروهی خیلی بزرگ پیروز می‌شوند، این وعده الهی است - «ان تنصر الله ينصرکم» اگر ما چنین دلیلی بیاوریم که مایوس هستیم پس همه پیغمبران کارهایشان باطل بوده است، حضرت نوح نهصد و پنجاه سال تبلیغات کردند، امر به معروف ونهی از منکر کردند، آخر چند نفر با ایشان سوار شدند، «وَمَا أَمَّنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۲» نهصد و پنجاه سال تبلیغ کردند هفتاد الی هشتاد نفر سوار برکشتی شدند، پس ما در جامعه ایمانی، در جامعه‌ای که ولایت فقیه حاکم است و همه پذیرفته‌اند و سوار کشتی نوح شده‌اند، آیا می‌توان به خاطر نداشتن صبر و حوصله نماز نخواند؟

هیچ موقع ما نمی‌توانیم به خاطر خجالت واجب الهی را ترک نماییم، مثلاً بگوئیم خجالت می‌کشم نماز بخوانم، روزه بگیرم، زکات بدهم و...

امام رضا علیه السلام فرماید: «احب اخوانی الی من اهدی الی عیوبی» - محبوبترین برادر، نزد من، کسی است که عیبهایم را به من اهدا کند - خودمان هم باید انتقاد پذیر باشیم، نهی از منکر پذیر باشیم، امر به معروف پذیر باشیم، خودمان هم در بعضی مواقع نمی‌پذیریم، اگر یک نفر به ما بگوید این کارت اشتباه بود عصبانی می‌شویم اما باید از او تشکر کنیم، این را باید فرهنگش کرد.

شیوه امر به معروف را بلد نیستیم، این شیوه‌ها خیلی مهم هستند.

۱. بقره، آیه ۲۴۹.

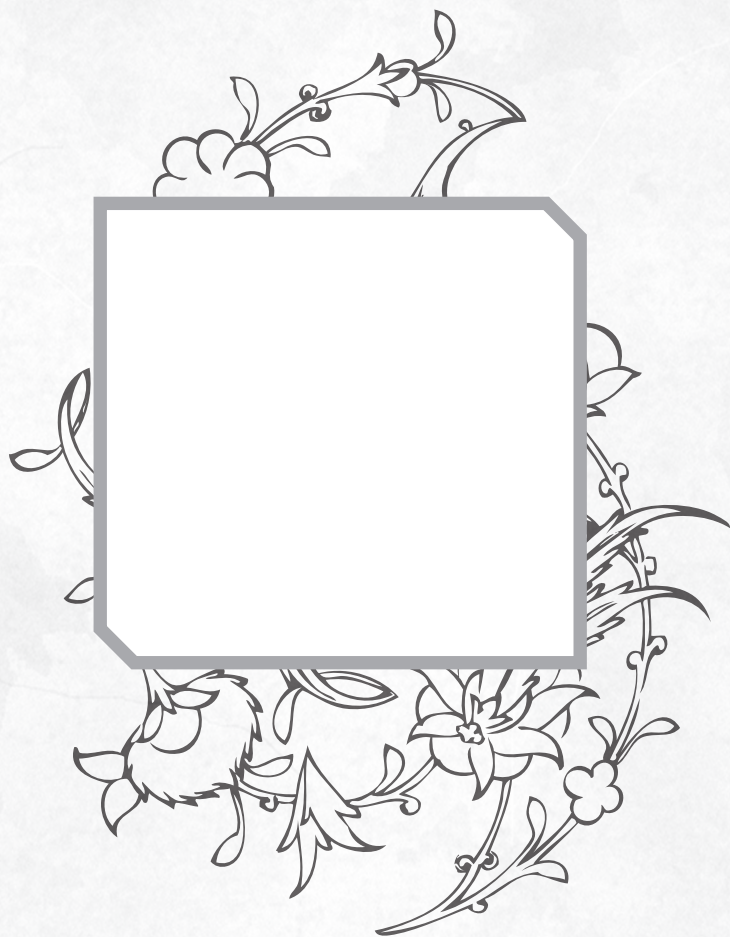
۲. هود، آیه ۴۰.


این فریضه را به گردن دیگران می‌اندازیم. می‌گوییم احتمال تاثیر باید باشد، حکم شرعی احتمال تاثیر است نه قطعیت تاثیر، اگر یقین نداری که تاثیر ندارد یعنی احتمال می‌دهیم که اگر تاثیر می‌گذارد انجام دهیم

نکته آخر

اگر زمان طاغوت هم باشد امر به معروف واجب است، امام راحل فرمودند: اگر می‌خواهید همه چیز اصلاح شود هر کس هر جا هست کار خودش را درست انجام دهد، شرط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تاثیر است، به بهانه اینکه من خودم این گناه را انجام می‌دهم نمی‌شود امر به معروف را ترک کرد، در امر به معروف شرط عدالت لازم نیست، شرط عدم ارتکاب گناه لازم نیست، عین متن تحریر الوسيله است، در رساله شرط ندارد که اینجا باید خودت بی گناه باشی و آدم معصومی باشی که امر و نهی کنی، یا بگویی ریا می‌شود؛ در رساله آمده است که قصد قربت لازم نیست.^۱

۱. این بخش خلاصه‌ای از بیانات سردار نقدی در اجتماع عمومی ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام در مجمع ادبی مذهبی یاس کبود می‌باشد.



A decorative border of black line-art flowers and leaves surrounds the central text. The flowers are stylized with multiple petals and are connected by thin, curving stems with small leaves.

نخستین سوم؛
برگی از تاریخ

فصل اول؛ غریب سامرا



خبرشهادت

ابوالادیان می‌گوید: من از خدمتکاران امام حسن عسکری علیه السلام بودم و نامه‌های آن حضرت را به اطراف و شهرها می‌بردم، آن حضرت بیمار و بستری شد. به همان بیماری که رحلت کرد، به حضورش رسیدم، نامه‌هایی که برای مردم مدائن نوشته بود به من داد و فرمود: این‌ها را به مدائن ببر، و تو پس از پانزده روز مسافرت وقتی که به شهر سامره بازگشتی، از خانه من صدای گریه و عزاداری می‌شنوی و پیکر مرا روی تخته غسل می‌نگری.^۱

نماز بر بدن مطهر امام علیه السلام

عقید غلام آن حضرت آمد و به جعفر گفت: ای آقای من پیکر مطهر برادرت کفن شد، برای نماز بیا، جعفر و شیعیان اطراف او وارد خانه شدند، من نیز همراه آنها بودم، و در برابر جنازه کفن شده امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفتیم. جعفر پیش آمد تا نماز بخواند، همین که آماده تکبیر شد، کودکی که صورتی گندم‌گون، و موی سرش به هم پیچیده و بین دندانهایش گشاده بود به پیش آمد و ردای جعفر را گرفت و کشید و گفت: «تَأَخَّرَ يَا عَمِّ فَأَنَا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ»

۱. سوگنامه آل محمد، محمدی اشتهاردی، صفحه ۱۴۷.

آبی» ای عمو! به عقب برگرد، من سزاوارتر به نماز خواندن بر جنازه پدرم هستم.^۱»

در بستر شهادت

در ساعات آخر، بیماری آنچنان بر آقا شدید بود که آن حضرت توان دوا خوردن را نداشت، به غلامش عقید فرمود: به آن حجره برو کودکی را می بینی که در پشت پرده به سجده افتاده است، او را بیاور، غلام به آنجا رفت و آن کودک را در حال سجده دید، کودکی که چهره‌ای درخشان، و موی سرش به هم پیچیده، و بین دندان هایش گشاده بود، نزد پدر آمد، وقتی که نگاه امام حسن علیه السلام به او افتاده گریه کرد و فرمود: «يَا سَيِّدَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِسْقِنِي الْمَاءَ فَإِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي» ای سرور اهل خانه خود، به من آب بیاشام، همانا من به سوی پروردگارم می‌روم، (وفاتم نزدیک است).^۲

۱. همان، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۵۱.

فصل دوم؛ رحمه للعالمین و امام آسمان ها



ولادت پیامبر ﷺ

چون حضرت متولد شد، به سجده رفت و مانند کسی که دعا کند و تضرع نماید، دستها سوی آسمان کرده و ایستاده بود و دیدم که ابری سفید از آسمان فرود آمد و او را در بر گرفت و از نظرم غایب گشته، ندایی رسید که: وی را در موالید انبیاء بدارید و تشریف ملت ابراهیم در او پوشید و بر پدرش ابراهیم عرض کنید و به دریاها برید تا اهل دریاها بدانند که نام این ماحی است که دنسِ کفر و شرک، در زمان وی محو گردد.^۱

مفتاح نبوت

بعد از لحظه‌ای او را دیدم در صوف سفید پیچیده، کلیدی در دست مبارک وی و گوینده‌ای می‌گفت: این محمد است که مفتاح نبوت و نصرت در دست اوست و بعد از لحظه‌ای قطعه‌ای ابر پایین آمد که آواز اسب و بانگ بالهای مرغان از آن فهم می‌شد و محمد از نظرم غایب گشت و بعد از زمانی دیر، باز ندایی رسید که او را در اطراف زمین بگردانید و بر روحانیان جن و انس عرضه کنید و به روایتی نبوت آدم و قوت و رقت نوح و خلت ابراهیم و سنت اسحاق و فصاحت

۱. فضایل و مناقب اهل بیت، عبداللطیف بیرجندی، ص ۳۱.

اسماعیل و بشارت یعقوب و جمال یوسف و صوت داوود و زُهد یحیی و کرم عیسی به وی ارزانی دارید و او را در بحر اخلاق انبیاء و رسل غوطه دهید.^۱

روایتی دیگر

شخص سوم حریر پاره‌ای در دست داشت که خاتم وی در آن بود و صاحب طشت محمد صلی الله علیه و آله را در طشت نشانید و آب بروی می‌ریخت تا هفت نوبت شسته شد و آن سه نفر پای او را بوسه دادند و رضوان که صاحب حریر بودند، او را در این حریر پیچیدند و به مشک از فر مطیب گردانیدند و لحظه‌ای او را در زیر پر خود گرفتند؛ چون از زیر پر بیرون آوردند، حدیث بسیار با وی بگفت که مرا از آن سخنان هیچ معلوم نشد و تعویذی بروی خوانده، دست بر پشت و سراو مالید و گفت: ای محمد، بشارت باد تو را که علوم انبیاء در دل تو ودیعت نهادیم و تو اعلم و اشجع ایشان باشی و کلید بهشت در دست توست و هیبت تو چنان در دلها نهادیم که مردم به مجرد آوازه تو لرزان و هراسان باشند.^۲

امام آسمان‌ها

اسم آن حضرت جعفر بود و کنیه شریفش ابو عبدالله و القاب آن حضرت صابر و فاضل و طاهر و صادق بود که مشهورترین القاب آن جناب، صادق است. ابن بابویه و قطب راوندی روایت کرده‌اند که: از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

۱. همان

۲. همان، ص ۳۲.

پرسیدند که: امام بعد از تو کیست؟ فرمود: محمد باقر که علم را می شکافد. پرسیدند که: بعد از او امام که خواهد بود؟ فرمود: جعفر که نام او نزد اهل آسمان ها صادق است. گفتند: چرا به خصوص او را صادق می نامند و حال آنکه همه شماها صادق و راستگویید؟ فرمود که: خبر داد مرا پدرم از پدرش رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمود: چون متولد شود فرزند من، جعفر بن محمد بن علی بن الحسین علیه السلام او را صادق نامید، زیرا که پنجم از فرزندان او جعفر نام خواهد داشت و دعوی امامت خواهد کرد به دروغ از روی افترا و او نزد خدا جعفر کذاب یعنی افترا کننده بر خدا است. پس حضرت امام زین العابدین علیه السلام گریست و فرمود: گویا که می بینم جعفر کذاب خلیفه جور زمان خود را بر تفتیش و تفحص امام پنهان، یعنی صاحب الزمان علیه السلام برانگیخته است!

در وصف مادر

والده ماجده آن حضرت، نجیبه جلیله مکرمه علیا، جناب فاطمه مسماه بهام فروه، بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر است که حضرت صادق علیه السلام در حق او فرموده: «كَانَتْ أُمِّي مِمَّنْ آمَنَتْ وَاتَّقَتْ وَأَحْسَنَتْ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»
مادرم از جمله زنانی بود که ایمان آورد و تقوا و پرهیزکاری را اختیار کرد و احسان و نیکوکاری نمود و خدا دوست دارد نیکوکاران را. همانا حضرت صادق علیه السلام در این کلمه موجهه وصف کرده آن مخدره را به تمام اوصاف شریفه همان طور که حضرت امیرالمومنین علیه السلام در جواب همّام بن عباده که

سوال کرد از آن حضرت که وصف کند برای او متّقین را
اکتفا کرد به کلمه «اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنَ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا
وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ».

علما در شرح آن گفته‌اند که گویا مراد از تقوا اجتناب کردن
است از آنچه خدای تعالی نهی فرموده، و احسان بجا آوردن
هر چیز است که حق تعالی به آن امر فرموده است.^۱

فضیلت میهمان بر میزبان

محمد بن قیس حکایت کند: روزی در محضر مبارك امام
جعفر صادق علیه السلام نام گروهی از مسلمانان به میان آمد و
من گفتم: سوگند به خدا، من شب‌ها شام نمی خورم، مگر
آن که دو یا سه نفر از این افراد با من باشند؛ و من آن‌ها را
دعوت می کنم و می آیند در منزل ما غذا می خورند.
امام صادق علیه السلام به من خطاب کرد و فرمود: فضیلت آن‌ها بر
تو بیشتر از فضیلتی است، که تو بر آن‌ها داری.

اظهار داشتیم: فدایت شوم، چنین چیزی چطور ممکن است؟!
در حالی که من و خانواده‌ام خدمتگذار و میزبان آن‌ها
هستیم؛ و من از مال خودم به آن‌ها غذا می دهم؛ و
پذیرائی و انفاق می نمایم!!

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون هنگامی که آن‌ها بر تو وارد
می شوند، از جانب خداوند همراه با رزق و روزی فراوان
میهمان تو می گردند و زمانی که خواستند بیرون بروند،
برای تو رحمت و آمرزش به جا خواهند گذاشت.^۲

۱. همان، ص ۱۷۸.

۲. محجّه البیضاء، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۳۳.

فصل سوم؛ امام خوبی‌ها



خبر از مهدی موعود علیه السلام

مرحوم شیخ صدوق و برخی دیگر از مورّخین و محدّثین شیعه و سنی آورده‌اند: یکی از بزرگان قم به نام احمد بن اسحاق اشعری قمی حکایت کند: روزی به محضر مبارک حضرت ابومحمّد، امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و خواستم درباره حجّت خدا و خلیفه پس از آن حضرت، از ایشان سؤال کنم. همین که در محضر شریف امام وارد شدم و سلام کردم، بدون آن که سخنی گفته باشم، مثل این که از نیّت و افکار من آگاه بود، مرا مخاطب قرار داد و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از زمان خلقت حضرت آدم علیه السلام تا برپائی قیامت، بندگان خود را بدون حجّت و راهنما رها نکرده است.

و در هر زمانی - از باب لطف - یکی از بندگان شایسته خود را حجّت بر انسان‌ها قرار داده است که به وسیله وجود مبارک او حوادث خطرناک برطرف می‌شود، باران رحمت خدا فرود می‌آید و زمین به برکت وجود حجّت خداوند متعال، برکات درون خود را ظاهر می‌سازد و در اختیار بندگان و دیگر موجودات قرار می‌دهد.

عرض کردم: یابن رسول الله! فدایت گردم، امام و خلیفه بعد از شما چه کسی است؟ هنگامی که این سؤال را طرح کردم، امام

حسن عسکری علیه السلام سریع از جای خود برخاست و درون منزل رفت و پس از لحظه‌ای بازگشت، در حالی که کودکی خردسال را در آغوش خود گرفته بود، و همانند ماه شب چهارده نورانی بود و می درخشید. موقعی که حضرت وارد اتاق شد، اظهار نمود: ای احمد! اگر اهل معرفت نمی بودی و نیز اگر نزد خداوند متعال گرامی نمی بودی، هرگز فرزند عزیزم را بر تو عرضه نمی کردم و سپس فرمود: این فرزند من است که هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد و جهان به وسیله وجود او پراز عدل و داد خواهد شد، همان طوری که ظلم و ستم همه جا را فرا گرفته باشد. ای احمد! این فرزندم، همانند حضرت خضر پیامبر خدا علیه السلام؛ و همچنین مانند ذوالقرنین، علمش برگرفته از سرچشمه علوم و معارف الهی است، دارای عمری طولانی خواهد بود. در آن زمانی که فرزندم - حجّت خدا - از طرف خداوند جلّ و علا، در غیبت قرار گیرد، نگهداری دین برای افراد جامعه سخت خواهد بود و همگان ایمان و اعتقاد خود را از دست می دهند، مگر اشخاصی که محدود و اندک باشند. عرض کردم: یابن رسول الله! علامت و نشانه او چیست؟ ناگهان آن کودک خردسال عزیز، لب به سخن گشود و ضمن مطالبی ارزشمند، مرا مخاطب خویش قرار داد و فرمود:

ای احمد بن اسحاق! من آخرین خلیفه پروردگار متعال در زمین هستم، من از دشمنان انتقام خواهم گرفت و سپس افزود: بعد از پدرم امام و خلیفه‌ای غیر از من نخواهد بود، شکرگزار خداوند باش و بر عقیده ات پایدار بمان، تو فردای قیامت همنشین ما خواهی بود.^۱

خبرغیبی

ثقة الاسلام کلینی و شیخ مفید نقل می‌کنند از اسماعیل بن محمد که گوید: در راه ابو محمد عسکری نشستیم، چون از آنجا گذر کرد به او از فقر شکایت کرده و قسم خوردم که نه درهمی دارم و نه زیادتر از آن. نه طعام صبح دارم و نه شب. امام علیه السلام فرمود: به خدا دروغ قسم می‌خوری. با آن که دویست دینار دفن کرده‌ای!! ولی این حرف من بدان معنی نیست که به تو چیزی ندهم، ای غلام! هر چه داری به او بده، غلامش صد دینار به من داد.

بعد فرمود: تو از پولی که دفن کردی در وقت حاجت محروم خواهی شد. امام علیه السلام راست فرمود، من آنچه امام داده بود خرج کردم، به مخارج احتیاج شدیدی پیدا کردم، درهای روزی برای من بسته شد. دفینه را بیرون آوردم، چیزی نیافتم، بعد معلوم شد که پسرم جای آنها را دانسته و آنها را برداشته و فرار کرده است. دیگر چیزی از آنها به دست من نرسید.

در بهشت

باز همان ثقة جلیل القدر فرموده: شنیدم امام عسکری علیه السلام می‌فرماید: «ان فی الجنة باباً یقال له المعروف لا یدخله الا اهل المعروف» در بهشت دری هست که نامش معروف است از آن در داخل بهشت نمی‌شود مگر اهل نیکی در دنیا. من در نفس خودم خدا را شکر کردم و شاد شدم که برای رفع حاجتهای مردم خودم را به زحمت می‌انداختم. امام به من نگاه کرد و فرمود: آری، یا ابا هاشم! به کار

خودت ادامه بده، اهل احسان در دنیا اهل احسان در آخرتند، خدا تو را از آنها قرار دهد و رحمت کند.^۱

فصل چهارم؛ شفیعه محشر



ورود به قم

مأمون عباسی در سال دویست از هجرت حضرت رضا علیه السلام را به خراسان طلبید. خواهر فرخنده اش در سال دویست و یکم از هجرت در طلب ملاقات برادر بالا گهرش بیرون آمد و راه در سپرد تا به ساوه رسید و در آنجا بیمار شد. پرسید از این مکان تا قم چقدر مسافت است؟ عرض کردند ده فرسنگ است. آن مخدره فرمان داد که او را از ساوه به جانب قم حرکت دهند. در بعضی گفته اند که در این زمین یعنی ساوه دو مرتبه عذاب نازل شده است، مرا به جانب قم حمل کنید. چون به قم رسید، در خانه موسی بن خزرج بن سعد بن الأشعری منزل فرمود. اما روایت صحیح تر این است که چون خبر ورود خاتون روزگار فاطمه معصومه علیها السلام به آل سعد رسید به جمله اتفاق کردند و برای استقبال بیرون شدند و خواستار گشته اند که در شهر قم عز نزل ارزانی دارد و از میان آن جماعت موسی بن خزرج به تنهایی بیرون آمد و چون بشرف ملازمت آن اختر آسمان عصمت و طهارت افتخار یافت، مهارشتر آن حصرت را بگرفت و به جانب شهر بکشید و به آن فخریه و مباحات می کرد که موفق به این خدمت است و آن حضرت عصمت آیت را در سرای خود فرود آورد و آن صدیقه مکرمه شانزده

روزی هفده روز زندگانی کرده از آن پس روح پاکش به ریاض قدس پرواز کرد.^۱

فضیلت حضرت معصومه علیها السلام

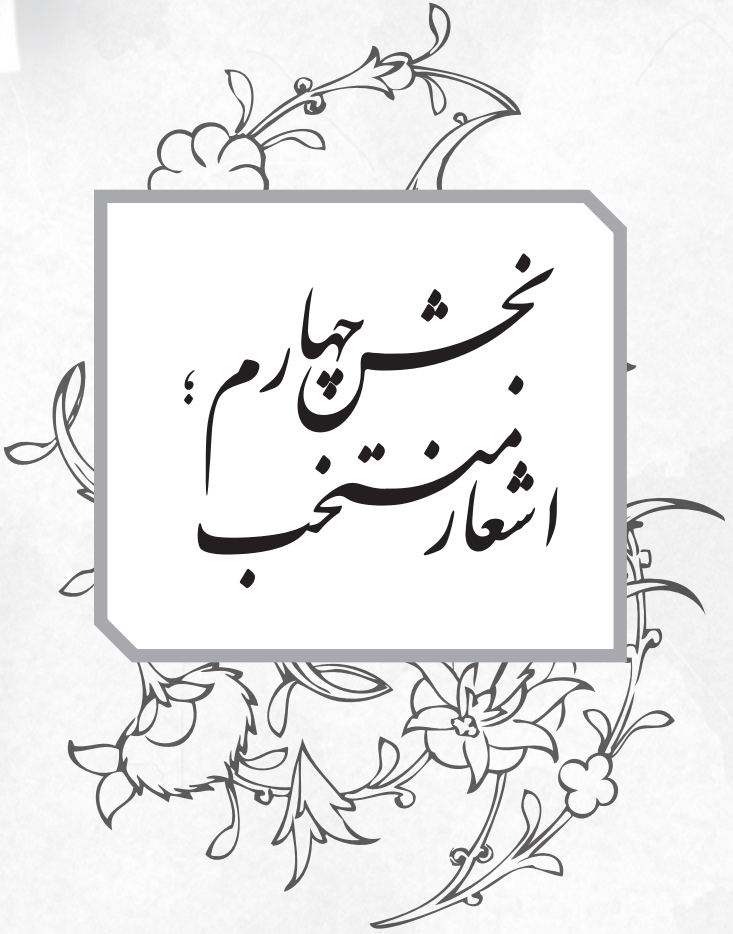
بدانید که خدای را حرمی است و آن کوفه است و حرم من و حرم فرزندانم بعد از من قم است و قم کوفه کوچک است و برای بهشت هشت در می باشد؛ سه در از آن جمله به سوی قم بازمی شود و زنی از فرزندان من که فاطمه نام دارد در آنجا قبض روح می شود و او را آن شأن و منزلت است که به شفاعت او تمام شیعیان به بهشت می روند و به قولی فرمود زود باشد که فاطمه نام از فرزندان من در قم دفن می شوند و هرکس او را زیارت کند داخل بهشت می شود .

وفات حضرت معصومه علیها السلام

چون بدن شریفش را غسل دادند و کفن نمودند پیکر مطهر و شریفش را به مقبره بابلان که فعلاً محل قبر شریف او است حمل کردند و در سردابی که برای مدفن شریفش حفر کرده بودند فرود آوردند . این وقت در میان آل سعد گفت و گو شد که چه کسی آن مخدره را بخاک بسپارد و داخل قبر او شد . آخر الامر اتفاق نمودند که پیرمرد سالخورده صالح منقی قادر نام آن گوهر پاک را به خاک سپارد، چون به طلب آن مرد رفته اند به ناگاه در دامنه صحرای دو سوار نقابدار پیدا شدند چون به نزدیک رسیدند از مرکب خود پیاده شدند و بر آن بدن مطهر نماز بگذاشته اند و به سرداب داخل شدند

و بدن مطهر را بگرفته‌اند و در آنجا دفن نمودند. سپس بیرون آمدند و سوار شدند و رفته‌اند و کس ندانست که ایشان چه کسانی بودند!

نخستین چهارم؛
اشعار منتخب



فصل اول؛ مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه



محمد فردوسی

این چنین بردلم افتاد به امید خدا ...
 ...غم نخو می رسد امداد به امید خدا
 چه قدر عقده در این سینه ما جمع شده
 عقده‌ها می شود آزاد به امید خدا
 دل ما که به خدا تنگ شده، منتظریم
 تا که از ما بکند یاد به امید خدا
 گره از کار گره خورده ما باز شود
 فرصتی می شود ایجاد به امید خدا...
 ... که به دست پسر فاطمه بوسه بزنیم
 یک به یک با همه اولاد به امید خدا
 خبر آمدنش را همه جا پخش کنید
 می رسد لحظه میعاد به امید خدا
 منتقم می رسد و روز ظهورش حتماً
 می شود فاطمه دلشاد به امید خدا
 حرم خاکی خورشید و قمرهای بقیع
 عاقبت می شود آباد به امید خدا
 لذتی دارد عجب تا که به ما می گوید:
 آفرین! دست مریزاد! به امید خدا...
 وعده بعدی ما «شارع بین الحرمین»
 دم بگیریم همه با «لک لبتیک حسین»

محمود ژولیده

تا توبه دل نظر کنی دیده پر آب می شود
حال، خراب می شود سینه کباب می شود
تا تو نظر نیفکنی حال بکا نمی رسد
آدم اگر دعا کند بی تو جواب می شود
هر چه عیار بیشتر حال بکاء بیشتر
کاسه چشم عاشقان جام شراب می شود
گرچه گهی به لغزشم داده غم تو ارزشم
آنکه تو ارزشش دهی گوهر ناب می شود
تا تو مرا صدا کنی دیده ز خواب می رهد
تا تو مرا رها کنی دیده به خواب می شود
گر نظر حرام را دیده ببندد از همه
در همه جا به چشم دل عکس توقاب می شود
مَحْرَم روی حضرتت گر نشود نگاه من
پرده زنجِشت بر این دیده حجاب می شود
گاه بخوانی ام بخود گاه برانی ام ز خود
گاه خطاب می شود گاه عتاب می شود
مهر تو امتیاز من ناز تو و نیاز من
هر چه تو ناز می کنی قلب من آب می شود
هر که زمان غیبتت یاری دین حق کند
روز ظهور حضرتت پای رکاب می شود
کاش خدایی ام کنی کرب و بلائی ام کنی
در طلب جمال خود کاش فدایی ام کنی

جواد حیدری

این چه حالیست که این دیده پریشان باشد؟
 همه جا در پی دیدار هراسان باشد
 از کنار دل من دیر سفر کن که دلم
 چون غبار قدمت بی تو پریشان باشد
 از تصدق به گدایت نظر لطف نما
 شاهد فقر دلم خشکی چشمان باشد
 من که این گونه نبودم تو خودت می دانی
 بی کس و یار شدم درد فراوان باشد
 چه کنم بهر ظهورت نشدم باعث خیر؟
 تا به کی سائل تو در پی عصیان باشد؟
 میسند این همه عمرم به گنه صرف شود
 عمر من بهر تو ای یوسف قرآن باشد
 کو مناجات شب و شور و نشاط سحری؟
 کو دگر دیده که در هجر تو گریان باشد؟
 باز آن حال و هوا را به دلم برگردان
 که دلم ساکن وادی شهیدان باشد
 ما ز دیدار رخ رهبر خود مست توایم
 پیر ما هم نفس پیر جماران باشد

محمد بیابانی

دل‌م گرفته از این جمعه‌های تکراری
که بی حضور تو هر هفته می‌شود جاری
چقدر جاده وصلت ترک شده است
سحابِ رحمتِ حق کی دوباره می‌باری؟
شنیده ایم که وقتی ز راه می‌آیی
درون باغچه گل‌های تازه می‌کاری
اگر چه زحمتان نیست آرزو دارم
به خاکِ کرب و بلایم به خاکِ بسپاری

فصل دوم؛ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

محسن حنیفی

غریب کربلا لأقل زهیری داشت
کنار حضرت آقا حبیب بوده و هست
همیشه هر شب جمعه حرم پراز زائر
ولی مزار حسن‌ها غریب بوده و هست

شبیہ برگ گلی بین حجره می‌لرزید
ز درد در وسط حجره دست و پا می‌زد
برای مرهم زخمش برای تسکینش
بلند مادر خود را فقط صدا می‌زد

همین که برجگش زهرچنگ می‌انداخت
شراره می‌زد و داغی دوباره شد تازه
دوباره کوچه و نامحرم و فدکنامه
و زخم گم شدن گوشواره شد تازه

همین که او دم آخر لبش عطش نوشید
برای تشنگی اش قدری آب آوردند
هنوز خاطر او مانده است این روضه
برای حضرت هادی شراب آوردند

غریب بوده ولیکن امام بعد از او
سحر به پیکر پاکش نماز می خواند
کنار پیکر او تا سحر نمی خوابد
شبهه ناحیه او روضه باز می خواند

فدای تو پدر و مادرم حسین غریب
فدای آن تن زخمی که بوریا شده بود
شنیده ام که لباس تو را کسی دزدید
سه روز روی زمین پیکرت رها شده بود

سید هاشم وفایی

هرگز شبی ز شام غمت تیره تر نبود
 آن شب به غیر ناله نوایی دگر نبود
 ای آفتاب معرفت ای عسکری لقب
 گل را چنان تو زندگی مختصر نبود
 شب‌های سوز و ساز به خلوت‌گه حضور
 شمعی چو جان سوخته ات شعله ور نبود
 داغ تو کرد خون به دل لاله‌های عشق
 کولاله‌ای که از غم تو خون‌گر نبود
 سیلاب اشک خانۀ دل را خراب کرد
 چشمی نمانده بود کز این غصه تر نبود
 شوق وصال دوست تو را سوی خود کشاند
 زهر ستم و گرنه به تو کارگر نبود
 مهدی کنار بستر پاک تو گریه کرد
 یک تن به جز تو شاهد اشک پسر نبود
 با دل سفر نمود «وفایی» به کوی تو
 حاجت دگر به داشتن بال و پر نبود

غلامرضا سازگار

ای ز چشم همگان ریخته اشک بصرت
حسنی و چو حسن خون شده عمری جگرت
همچو اجداد غریبت همه عمر غریب
به جوانی شده مسموم چو جد و پدرت
در پی ماه صفر معتمد از زهر جفا
کرد با عم گرامیت حسن همسفرت
بس که در جامعه مظلوم و غریب و تنه‌است
نیست ممکن که عزا بر تو بگیرد پسرت
چشم بگشا به سوی خانه در بسته خویش
که عزادار شده همسر نیکو سیرت
چشم حق بین تو شد بسته و می بینی باز
همه جا غربت مهدی است به پیش نظرت
سالها شمع صفت سوختی و آب شدی
نه فقط زهر جفا زد به دل و جان شررت
سالها بود که با یاد لب خشک حسین
خون دل بود روان روز و شب از چشم ترت
«میشم» از خواجگی هر دو جهان دست کشد
بشماریش اگر جزء گدایان درت

امیر عظیمی

باز هم می شود حسینیه وسعت قلب درد پرورتان
سامرای شدیم و می گویم تسلیت، تسلیت امام زمان

تسلیت ای به دردها مانوس تسلیت ای بَقِیَّتِ الزَّهْرَا
بیت الاحزان سینه ات این بار پُر شده از مصیبت بابا

این حسن ها چقدر مظلومند این غریبی ز قبرشان حاکبست
این حسن ها عجیب مادری اند از همین رو قبورشان خاکی است

یابن زهرا ببین ز سوزش زهر پدرت مثل بید می لرزد
دم آخر درون کاسه آب جان مولا! چه دید می لرزد

دید دور از حضور یک سقا در حرم حرف قحطی آب است
دید در قتلگاه، بین دو نهر لب جدش حسین بیتاب است

پدرت، لحظه های آخر عمر آب از دست پاکتان نوشید
دم آخر پسر نداشت حسین تشنگی از گلوش می جوشید

وحید قاسمی

خون می‌چکد ز دیده در خون شناورم
در بُهت چشم‌های گهربار مادرم
سوز عطش به ریشه من تیشه می‌زند
خشکیده شاخه‌های بلند صنوبرم
تا مغز استخوان شرر زهر رخنه کرد
تفتیده کوره‌ای شده گرمای بستم
با هر نفس تمام تنم تیر می‌کشد
چشم انتظار قطع نفس‌های آخرم
در لحظه‌های آخر عمرم هوائیم
افتاده شور کرب و بلا باز در سرم
این آرزوی لحظه جان دادن من است
با ذکر یا حسین رود جان ز پیکرم

مسعود اصلانی

شب تاریک هوای سحرش را می‌خواست
 شهرانگار خسوف قمرش را می‌خواست
 گوشهٔ حجره کسی چشم به راه افتاده
 حسن دوم زهرا پسرش را می‌خواست
 حضرت عسکری از درد به خود می‌پیچد
 زهرا از سینهٔ آقا جگرش را می‌خواست
 آسمانیست امامی که زمین افتاده
 آسمان جلوه‌ای از بال و پرش را می‌خواست
 لحظهٔ آخر خود روضهٔ عاشورا خواند
 منبر خاک غم چشم ترش را می‌خواست
 ته گودال کسی روی زمین افتاده
 خنجر شمر گمانم که سرش را می‌خواست
 دختری دید که بالای سرش نامردی
 آمده بود و نگین پدرش را می‌خواست

فصل سوم؛ آغاز تا جگذاری امام زمان عجل الله الفرج

سید هاشم وفائی

هر لحظه تو احوال مرا می بینی
آئینه اقبال مرا می بینی
می میرم و زنده می شوم از خجلت
چون نامه اعمال مرا می بینی

ای جلوه نور سرمدی یا مهدی
گنجینه علم احمدی یا مهدی
هدیه به امامت تو ما آوردیم
صدباغ گل محمدی یا مهدی

برچینی بشکسته دل بند زدند
ما را به ولایت تو پیوند زدند
آغاز امامت تو گویی به بهشت
زهرا و علی ز شوق لبخند زدند

فصل چهارم؛ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام

یوسف رحیمی

امروز اگر که پا به پای کلمات
تا محضرتو آمدم ای صبح نجات
چشمان تهیدست برایت دارم
دریاب مرا به برکت یک صلوات

رضا اسماعیلی

در کشور عشق معبدی می‌خواهم
یک سینه تهی زهربدی می‌خواهم
سهمی ز جهان اگر مرا می‌بخشید
باغی ز گل محمدی می‌خواهم

ای عشق! تو آمدی حیاتم دادی
از ظلمت و تیرگی نجاتم دادی
من تشنه یک سرود روشن بودم
جامی ز زلال صلواتم دادی

ای دوست! ندای «لا تخف» می‌آید
شب رفت، صدای چنگ و دف می‌آید
شد چشم زمین به نور احمد روشن
از عرش، فرشته، صف به صف می‌آید

بوی تو ز بوستان من می‌آید
خورشید در آسمان من می‌آید
لب‌های مرا فرشتگان می‌بوسند
چون نام تو بر زبان من می‌آید

در عشق تو استوار، همچون کوهم
 بی نور تو، عابر شب اندوهم
 چون نام تو بر لبان من می‌رقصد
 عطر صلوات می‌چکد از روحم

تا نام تو بر زبان هستی آمد
 در سینه عشق، شور مستی آمد
 از سینه کعبه نور تو بیرون زد
 گلبنک خوش خداپرستی آمد

ای دل شدگان! یار موافق آمد
 افشاگر چهره منافق آمد
 عالم ز ظهور نور او روشن شد
 یاران! صلوات، صبح صادق آمد

ای دوست! به آسمان نظر کن گاهی
 ذکری تو بگو، بر آور از دل آهی
 لب را به گلاب نام او خوشبو کن
 گردولت وصل دوست را می‌خواهی

ای دلشدگان! نسیم جان می‌آید
 در جسم زمین، دوباره جان می‌آید
 در باغ، گل محمدی می‌خندد
 تبریک! بهار عاشقان می‌آید

در ظلمت شب، دلیل راهم دادند
رخصت به دلم، دل سیاهم دادند
چون نام تو بر لبان روحم رقصید
در خلوت انس دوست راهم دادند

ای خال لب تو، نقطهٔ بسم الله
در حُسن و جمال، ماه تراز هر ماه
شکرانهٔ دیدن تو صد تکبیر است
«لا حول و لا قوة الا بالله»

ای خون حماسه در رگ آزادی!
تو بر سر ظلم، تندر فریادی
تو آمدی و به غنچه‌های ایمان
فرمان خجستهٔ شکفتن دادی

ای نور زمین و آسمان! ادرکنی
ای قبلهٔ دل، بهشت جان! ادرکنی
بوی خوش وصل می‌وزد از نامت
نام تو سرود عاشقان، ادرکنی

مجتبی روشن روان

طلوع کردن خورشید عشق و زیبایی
 به یار گلرخ غنچه دهان مبارک باد
 هوای تازه و صبح پراز نشاط آمد
 غروب ظلمت جهل جهان مبارک باد
 نسیم و سبزه و گل بوی یار آورده
 دوباره شادی سرو چمان مبارک باد
 خزان تمام شد و فصل بی قراری رفت
 بهار رحم و عاطفه بر عاشقان مبارک باد
 رها شده است ز بند اسارت ظلمات
 هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

هر آنچه هست به مستی در آمده امشب
 رسیده موسم مستی پیاله کو ساقی؟
 خمار آمده ام باز بر در لطف
 نیازمند گرفتم نوای هو ساقی
 به یمن چشم طبیعی که کرده بیمارم
 مکن دریغ لبم از لب سبو ساقی
 مده حواله به دستان دیگری ما را
 بیا که باده بنوشیم رو به رو ساقی
 ز سوی فاطمه دارم کرامت و نعمات
 هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

به نام باده به نام سبویه نام جنون
سلام ای سحر جاده اهورایی
به نام دیده به نام دل خراب شده
سلام می‌کنمت ساقی تماشایی
به نام عشق که از خاک پای تو جوشید
شبى بیا به سرایم نگار رویایی
به نام غنچه لبهایت ای گل خلقت
بخند تا که بینم شب شکوفایی
همیشه داشت به همراه اش نوحات
هرآن کسی که فرستد محمدی صلوات

دوباره با قلم و دل نشسته‌ام یکجا
چه خوب می‌شود امشب غزل سرایی کرد
اگرچه زشت و سیاه و بدم ولی یارا
چه خوب لطف لطیف مرا هوایی کرد
میان کفر گرفتار مانده بودم تا
مرا نگاه رحیمانه ات خدایی کرد
گرفته حاجت خود را ز قاضی الحاجات
هرآن کسی که فرستد محمدی صلوات

عبور خسته یک آس و پاس یعنی من
و خوشقواره ترین جان لطف یعنی تو
صدای مضطرب التماس یعنی من
و استجابات آثار لطف یعنی تو
شکسته بال ترین مرغ عشق یعنی من

نسیم رحمت رحمان لطف یعنی تو
نگاه منتظر بی قرار یعنی من
لطیف بارش باران لطف یعنی تو
محبت تو برایش مضعف الحسنات
هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

وحید قاسمی

تیغ ابرویت غزل را در خطر انداخته
پیش پایت از تغزل بسکه سر انداخته
مرد این میدان جنگ نابرابر نیستم
تیرمژگانت ز دست دل سپر انداخته
بنده‌ای؟ پروردگاری؟ این شکوه لایزال
شاعران را به اما و اگر انداخته!
نامی از میخانه‌ها نگذاشت باقی نام تو
باده را چشم خمارت از اثر انداخته
ساقی معراج، عرش گنبد خضایی ات
جبرئیل مست را از بال و پیر انداخته
کار دیگر از ترنج و دست هم، یوسف گذشت
تیغ، سرها را به اظهار نظر انداخته
سود بازار نمک انگار چیز دیگری است!
خنده ات رونق ز بازار شکر انداخته
عاشق و معشوق‌ها از هجر رویت سوختند
عشق تان آتش به جان خشک و تر انداخته
این تنور داغ مدح چشم هایت؛ مهربان
نان خوبی دامن اهل هنر انداخته
مهربانی نگاهت، ای صبور سربه زیر
دولت شمشیر را از زور و زر انداخته
تا سبکباری دل، چوب حراجت را بزن
چین زلفت در سرم شوق سفر انداخته

محمد حسین رحیمیان

ای گل سر سبد طایفه آقاها
 ای بزرگ همه بی مثل و همتاها
 هرکسی دیده تو را مست شد و خانه خراب
 تشنه دیدن تو میکده‌ها صهباها
 نمک روی تو دیوانه کند مجنون را
 کشته و مرده رویت همه لایلاها
 هر که امروز گرفتار نگاهت گردید
 نکند وحشتی از بی کسی فرداها
 شعبه عرش شده از قدم تو دنیا
 هر کجا حرف شود از تو بهشت است آنجا

عقل و هوش همه خلق شده حیرانت
 به فدای تو و توحید تو و عرفانت
 آن قدر عاشق تو هست خدایت آقا
 که به قرآن خودش خورد قسم بر جانت
 دم به دم مکتب تو حرف جدیدی دارد
 همه علم خلاصه شده در قرآنت
 مرده را گوشه نگاه تو مسیحا سازد
 کرده دیوانه مرا معجزه چشمانت
 دشمنت هم ز تو جز رحمت و ایثار ندید
 خوش به حال دل آن کس که شد از یارانت
 در سماوات و زمین و ملک و جن و بشر
 ما ندیدیم کسی را ز شما خاکی تر

تو همه دلخوشی روز و شب دنیایی
همه هستند غلام و تو فقط آقای
پرچم هیچ کس اندازه تو بالا نیست
محشری، بی مثلی، معجزه ای، غوغایی
کار ما هست فقط عشق به تو ورزیدن
کار تو هست فقط دلبری و لیلابی
چه مقامی به تو داده است خدایت آقا
دلخوشی علی و زندگی زهرایی
چه قدر عشق میان تو و زهرایت بود
تو شدی فاطمی و فاطمه شد بابایی
رفتی و قامت زهرای جوان تو خمید
نود و پنج شب از درد به خود می پیچید

محمد جواد پرچمی

من همان باده نوش جام توام بلبل مست روی بام توام
 بی نگاهت غزل نمی خوانم شاعر فیض مستدام توام
 ششمین آینه سلام آقا آرزومند یک سلام توام
 به پرزخمی ام نگاه کنید آه؛ محتاج التیام توام
 باز همسفره باش با سائل دوستدار همین مرام توام
 مست قال الامام صادق من من مسلمان شده به نام توام
 روی قبرم سپرده ام آقا بنویسند من غلام توام
 من غلام محبت یارم به خم گیسویت گرفتارم

می نویسم فقط حقایق را ماجرای عروج عاشق را
 با تو فهمیده ام مفهوم و معنی آیه های ناطق را
 می شود دید در نگاه شما عکس زیبای وجه خالق را
 معنی یا بصیر در بصرت با بصیرت کنی هر عاشق را
 با بیانات روشن و نابت تو شکستی صف منافق را
 ما به عالم نمی دهیم هرگز تار موی امام صادق را
 السلام ای رئیس مذهب ما ای دمامد ترانه لب ما

دلمان را توحیدری کردی مست انوار کوثری کردی
 در لباس امامت ای آقا به خدا که پیمبری کردی
 با احادیث و گفته های خودت تو عجب فتح خیبری کردی
 زنده کردی تو علم را تا حشر بسکه شاگرد پروری کردی
 ما کجا؟! مهر مادرت زهرا دل ما را تو مادری کردی
 مهرتان را به سینه دارم من آرزوی مدینه دارم من

کاش ما را دعا کنی آقا خرج این روضه‌ها کنی آقا
چشم‌های مرا به پای حسین نذر خیرالتسا کنی آقا
بانی روضه‌های عاشورا کاش روضه به پا کنی آقا
کاش ما را شبی به خرج خودت راهی کربلا کنی آقا
روضه زینبیه می‌خواهیم روزی فاطمیه می‌خواهیم

فصل پنجم؛ ولادت امام عسکری علیه السلام



غلامرضا سازگار

لشکرشادی گرفت ملک جهان را
 کرد مسخر همه کون و مکان را
 برد به یک حمله دل پیرو جوان را
 داد به جسم وجود روح و روان را
 خیز و بپایش فدا کن سرو جان را
 داری اگر کن نثار خوب تراز جان

وجد و سرور و شمع گشته عبادت
 مهر فلک داده با خنده شهادت
 آمده بر شیعیان دور سیادت
 دور سیادت مگو صبح سعادت
 صبح سعادت مگو روز ولادت
 ولادت حجت قادر منان

یازدهم اختر برج ولایت
 ماه محمد جمال شمس هدایت
 ابر کرم فلک جود بحر عنایت
 قصه فضل ورا نیست نهایت
 کار نمی آید از شعر و حکایت
 لال در اینجا بود منطق انسان

عروس زهرا خدیث قرص قمرزاد
هشتم ماه ربیع پاک پسرزاد
بهر امام دهم نور بصر زاد
از شجر احمدی طرفه ثمرزاد
بلکه برای همه خلق پدر زاد
خلق به خاک درش در خط فرمان

او که به صلیبش بود مصلح عالم
او که به خاکش بود چهرهٔ آدم
او که ثنایش کنند آدم و خاتم
او که مدیحش بود ذکر دمام
جنت بی جلوه‌اش خانهٔ ماتم
دوزخ در سایه‌اش روضهٔ رضوان

اهل ولا سرخوش از ساغر اویند
خلق خدا جمله در محضر اویند
جن و ملک سربه سر عسکر اویند
پیرو جوان چون گدا بر در اویند
خیل نبیین ثنا گستر اویند
بلکه خدا وصف او گفته به قرآن

از افق حسن غیب ماه برآمد
مهر جمالات حق جلوه گر آمد
یا رخ پیغمبر از پرده درآمد

یا که علی را مبارک پسر آمد
یا پدر حجت منتظر آمد
خُسن حَسَن در حسن گشته نمایان

او که سراپا بود روح مجرّد
او که به مهرش کم است خلد مخلّد
او که ز قهرش دمی است نار مؤبّد
او که سلامش دهد خالق سرمد
او که ثنائیش سرود شخص محمد
من به چه مضمون کنم مدحتش عنوان

این حَسَنی حُسن حَى متعال است
این گل نورسته احمد و آل است
یازدهم قبله اهل کمال است
هم بخدا مظهر حُسن و جمال است
هم به نبی وارث قدر و جلال است
جلوه خوبان زوی گشته فروزان

ای پدر و مادرم هر دو فدایت
ای به لب اهل ذکر مدح و ثنایت
قبله دل‌های پاک صحن و سرایت
باغ جنان عاشق روی گدایت
مستی اهل دل از جام ولایت
تا که شود بر سر کوی تو قربان

گرچه تنت کرده در سامره منزل
لیک بود چون خدای جای تو در دل
عصیان با عفو تو است طاعت کامل
طاعت بی مهر تو است کوشش باطل
گردد بر مور اگر لطف تو شامل
گیرد از اقتدار جاه سلیمان

هم توبه جسم وجود روح روانی
هم پسر رهبر کشور جانی
هم پدر مصلح کل جهانی
هم به جمال خدا نور عیانی
هم به دل اهل دل راز نهانی
هم شده بر درد جان نام تو درمان

روی تو ز آغاز بود شمع مرادم
دوستی‌ات از نخست مانده بیادم
گر بپذیری مرا دل به تو دادم
هست همین هستی روز معادم
شعله عشقت کشد سر ز نهادم
جان و تنم را در این شعله بسوزان

گرچه بود طلعتت از همه مستور
دیده دل را دهد یاد رخت نور
وای بر آن دیده‌ای کز تو بود کور
آه به حال دلی کز تو شود دور

بارگهت را بود بارقه‌ طور
نقش زمینش هزار موسی عمران

جز به سر کوی تو راه نپویم
جز به لب جوی تو نامه نشویم
دیده به هرسو نهم روی تو جویم
دست به هر گل برم عطر تو بویم
"میثم" و غیر مدح از تو نگویم
تا به سردار عشق بگذرم از جان

محمد بیابانی

دوباره عشق سمت آسمان انداخت راهم را
نگاهی باز می‌گیرد سر راه نگاهم را
کدام آغوش بین خویش جا داده است ماهم را
که برگردانده امشب سوی دیگر قبله گاهم را
من امشب حاجی این قبله این قبله نما هستم
من امشب بنده مولای سر من رئا هستم

درون سینه‌ام انگار شور دیگری دارم
به لطف ساقی امشب در سبویم کوثری دارم
به دستی زلف یار و دست دیگر ساغری دارم
شرابی ناب از انگوره‌های عسکری دارم
من امشب عشق را تکرار در تکرار می‌خوانم
حسن جانم حسن جانم حسن جانم حسن جانم

وزیده از پگاه شهر پیغمبر نسیمی که ...
... رسیده سالهایی قبل همراه شمیمی که ...
... تمام شهر را پر کرد آن فیض عظیمی که ...
... خبر داده است باز از جلوه دست کریمی که ...
... همان خلق و همان خودر جمالش منجلی باشد
و مثل آن حسن آرام جان یک علی باشد

نگاهت چون مسیحاییست که بر مرده‌ها جان است
که گاهی لرزه بر اندام مأموران زندان است

و یا ابريست که در آسمان هم حکم باران است
 بگو این چشم انسان است یا از آن یزدان است
 تو هم جسمی و هم جانی، تو هم ابری و بارانی
 صفات گفت یزدانی، خدایی یا که انسانی؟

رکاب سامرا را گنبد زرد تو مروارید
 حریمت کعبه آمال، قبرت قبله امید
 گدایان! هر کجا هستید، امشب هر چه می خواهید
 دخیل عشق بندید از همان جا بردر خورشید
 اگر که سائل شهر مدینه مجتبی دارد
 کسی چون عسکری را هم گدای سامرا دارد

میایی و برای مهدی ات دل داده می سازی
 هزاران عاشق در دام عشق افتاده می سازی
 ز اشک دیده چشم انتظاران جاده می سازی
 برای امر غیبت شیعه را آماده می سازی
 میان پرده اسرار خدا را بی صدا گفתי
 برای شیعیانت "افضل الاعمال" را گفתי

تو آن معنای پروازی که بی تو هیچ بالی نیست
 زلال جاری باران لطفت را زوالی نیست
 به جز درد فراق مهدی ات آقا ملالی نیست
 یقینا در کنار ماست امشب جاش خالی نیست
 دعا کن تا که من هم جمکرانی باشم آقا جان
 دعا کن تا ابد صاحب زمانی باشم آقا جان

اجازه می‌دهی امشب تو را ابن‌الرضا گویم
صفای مرقدشش گوشه‌ات را کربلا گویم
غریب‌سامرا از غربت یک آشنا گویم
برایت قصه‌ی یک مادر و یک کوچه را گویم
از آن ابری که زیر ظلمتش پوشاند ماهش را
از آن مادر که در آن کوچه‌ها گم کرد راهش را

محمود ژولیده

مهربانا مهربانی کرده‌ای خشت و گل را آسمانی کرده‌ای
 حکمت از دل دُرَفشانی می‌کند با قلم قلبم تباری می‌کند
 چشم صحرا را مزین کرده‌ای نور زهرا را مُبیین کرده‌ای
 نَه فَلَکِ مَجذُوبِ یَکِ دِلدارِ ماند هفت اقلیم از هبوط یار ماند
 آن زمانی که نه گل نه آب بود با تو نَه خورشید نَه مهتاب بود
 دستِ ذاتِ هستِ مسطورِ آفرید از صفات چارده نور آفرید
 چار و ده مبهوت یکدیگر شدند عَلمِ الأَسْماءِ را از بر شدند
 نور واحد چارده تقسیم شد سال و ماه و هفته‌ها ترسیم شد
 چون نظر کردند بر حالات خویش ذات را دیدند در مرآت خویش
 تا دل افتد روز و شب در دامشان ثبت شد ساعات هم برنامه‌شان
 بوی گل‌های معطر می‌وزد شنبه‌ها عطر محمد می‌رسد
 پاس و سُنبل هدیه یکشنبه‌هاست عطر زهرا و علی در جان ماست
 گل کند در هر دو شنبه نور عین گاه از نور حسن گاهی حسین
 هر سه شنبه می‌وزد عطرسه گل سین و یاء و صاد اندر هر سُنبل
 چارشنبه موسوی گردد فضا از رضا و باب و دو ابن الرضا
 می‌شود لب تر ز جام عسکری هر شب جمعه به نام عسکری
 ذُکْرآبِ و ذُکْرِبَادِ و ذُکْرخَاکِ یا امام عسکری روحی فدایک
 دوستان محتاج لب‌خند تو‌اند جمع موجودات در بند تو‌اند
 ای زمان از بس تو را دارایی است در زمین هنگام حُسن آرایی است
 باید این احساس را اذعان کنم آنچه استاد ازل گفت آن کنم
 باید از ساقی دلها دم زنم تا در این میخانه در محکم زنم
 آمد آن پشت و پناه شیعیان شد جمال وجه رحمانی عیان
 او بود خورشید کز نو سرزده یا حسن در وجه أَحْسَن آمده

بسکه او مجذوب در توحید شد ذره هم در پرتوش خورشید شد

آمد آن محنت کش شادی فروش تا کشد بار ولایت را به دوش

گرچه گردد ساکن تبعیدگاه می‌گشاید تا خدا بر شیعہ راه

شیوه‌اش هنجارهای معنوی است سیره‌اش طرح قیام مهدوی است

هرچه گویم از سجایایش کم است کن تو سل حبل عشقش محکم است

تا گدای سامرایش می‌شویم بی‌گمان حاجت‌روایش می‌شویم

سامرا گفتم دلم آمد به شور جشن میلاد است یا شورِ نشور

شیعہ احساس غریبی می‌کند ذکر ادرك یا حبیبی می‌کند

غلامرضا سازگار

ای قبله حرم، حرم سامرای تو
 بیت الولای دل حرم با صفای تو
 قرآن یگانه دفتر مدح و ثنای تو
 روح ملک کبوتر صحن و سرای تو
 آینهٔ جمال خداوند سرمدی
 فرزند پاک چار علی، سه محمدی

رضوان بدان جلال و شرف سائل درت
 خورشید سجده برده به صحن مطهرت
 روح رضاست در نفس روح پرورت
 نامت حسن نه بلکه حسن پای تا سرت
 میراث زهد و نور هدایت ز هدایت
 علم امام هشتم و جود جوادیت

معصوم سیزده ولی الله ذوالمنن
 ابن الرضای سومی و دومین حسن
 گل ریزد از بهشت به خاکت چمن چمن
 شرمنده در ثنای تو از کوچکی سخن
 دُر کلام و لعل لب گوهری کجا
 وصف ابا محمد العسکری کجا

انوار ده امام درخشد ز روی تو
 یادآور رسول خدا خُلق و خوی تو

زیباترین دعای ملک گفتگوی تو
مسجود جنّ و انس بُود خاک کوی تو
بحری که در صدف، دُر جان پَرورد تویی
در دامنش امام زمان پرورد تویی

ویرانهٔ مزار تو مسجود آسمان
قبر تو کعبهٔ دل و صحت مطاف جان
زوّار هر شب حرمت صاحب الزمان
کوری چشم دشمنت ای قبلهٔ جهان
تنها نه سامره، همه عالم دیار توست
هر جا رویم در بغل ما مزار توست

قبر مطهر تو اگر چه خراب شد
یا بر حریم تو ستم بی حساب شد
و آن دلریا ضریح نهان در تراب شد
هر چند قلب شیعه از این غم کباب شد
هر روز قبهٔ تو فروزنده تر شود
جاه و جلال و مرتبه ات زنده تر شود

با آن که در محاصره بودی تو سالها
دیدي ز دشمنان، غم و رنج و ملالها
کردند با تو از ره طغیان جدالها
دادی به شیعه عزت و قدر و جلالها
نور ولایتت ز دل حبس ای شگفت
چون آفتاب یک سره آفاق را گرفت

داغت به قلب شیعه شراری عظیم شد
 خون بردلت ز کینه اهل جحیم شد
 روح تو در بهشت الهی مقیم شد
 با رفتن تو حضرت مهدی یتیم شد
 یا بن الحسن از این همه بیداد، الامان
 عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای عدل تو زوال ستم گستری بیا
 نادیده کرده بر همه روشنگری بیا
 ای آخرین دُر صدف کوثری بیا
 ای نور دیده حسن عسکری بیا
 تا کی فراق روی تو آتش به جان زند
 تا کی به شیعه خصم تو زخم زبان زند

ای خواننده جنّ و انس و ملک پیرو مقتدات
 تو جان جان عالمی و جان ما فدات
 خُلُق علی و خلق نبی جلوۀ خدات
 میثم به این دو مصرع نیکو دهد ندات
 یا صاحب الزمان به ظهورت شتاب کن
 عالم ز دست رفت تو پیا در رکاب کن

کمیل کاشانی

زمین چشم تماشا شد امام عسکری آمد
بهشت آرزوها شد امام عسکری آمد
هوای سامره گلپوش از عطر نفس هایش
گل ایمان شکوفا شد امام عسکری آمد
سروش هاتف غیبی بشارت داد "هادی" را
گره از کار دل وا شد امام عسکری آمد
حسن خویش حسن رویش حسن بویش حسن مویش
تمام حسن پیدا شد امام عسکری آمد
چنان پیچید در صبح ازل گلبوی لبخندش
که عقل از شوق، شیدا شد امام عسکری آمد
تجلی کرد در برق نگاهش هیبت حیدر
طلوع مهر زهرا شد امام عسکری آمد
صدای پای او در کوچه باغ زندگی پیچید
حضورش عالم آرا شد امام عسکری آمد
زمان، امشب «کمیل» از شوق سراز پای نشناسد
که - خلقت - باز معنا شد امام عسکری آمد

فصل ششم؛ وفات حضرت معصومه علیها السلام



حسین ایزدی

شوره زار است اگر قم، تو در آن دریایی
 تو همیشه، همه جا، در همه آن با مایی
 اصل و فرع ات همه نور است، خود خورشیدی
 ... و نه تنها پدرت که تو خودت موسایی
 بعد زهرا و عقیله به خدا بانو جان...
 بهترین اسوه برای همه زن‌هایی
 وادی طور شده قم ز تو موسی زاده
 بیت نور است زمینی که تو در آنجایی
 حاجت مردم قم دست غلامان شماست
 تو امید دل شیعه ز غم فردایی
 وسعت روح تو قم را چو مدینه کرده...
 گرچه پنهان شده قبری، تو خودت زهرایی
 باطن قم، نجف و مکه و مشهد باشد
 یک حرم داری و این قدر در آن دارایی
 مثل ایوان نجف، صحن تو حالی دارد
 تو نظر کرده چشمان خود مولایی
 خشت خشت حرمت پنجره فولاد است
 کار خاک قدمت، کار دم عیسایی...
 گردن مردم ایران به خدا حق داری...
 مایه قدرت ما پیش همه دنیایی

مهدی نظری

سلام بر تو که اسطورهٔ حجاب شدی
جواب‌های سؤالات بی جواب شدی
سلام بر تو که در آسمان علم و ادب
شعاع نور شدی مثل یک شهاب شدی
به خاک کشور ایران دو نور تابان شد
رضا چو شمس شمس و تو آفتاب شدی
برای یاری دین و امام عصر خودت
شبیبه عمهٔ خود پای در رکاب شدی
ز بس که دست کریمت گره‌گشایی کرد
برای نام کریمه تو انتخاب شدی
برای شأن تو این واژه تا ابد کافی ست
رضا حسین شد و زینش حساب شدی
خدا کند بنویسی مرا به نوکری ات
تو دختری ولی عالم فدای مادری ات

نگاه مرحمتی کن به این گدا بی بی
بده به حق رضا حاجت مرا بی بی
قسم به جان خودم جبرئیل می‌میرد
اگر که پرنزند دور این سرا بی بی
پی زیارت زهرا به قم سفر نکنم
بگو کجا بروم من بگو کجا بی بی
مراجع و علما حلقه دور تو بستند
برای اینکه تویی باب علم‌ها بی بی

غمی نمانده برای اهالی ایران
 دمشق ما توئی و کربلا رضا بی بی
 غمی که سوخت دلت را شرار زهر نبود
 تو از دیار خود افتاده‌ای جدا بی بی
 تو آمدی که انیس دل رضا بشوی
 تو آمدی که در ایران بزرگ ما بشوی

گل همیشه بهار امام هفتم ما
 دلم شکسته برای خزان پری ات
 اگرچه درد فراق آتش است و میسوزد
 ولی نسوخت تمام دل کبوتری ات
 ولی امان ز دل کوثر امام حسین
 ز پنجه‌ها و سر دختر امام حسین

محسن حنیفی

مهربانی، کریمه‌ای خانم بانوی بی بدیل؛ معصومه
التماس قنوت گریه من الدخیل الدخیل معصومه

شرف الشمس شهرقم هستی از تبار و ذراری خورشید
پای درست ملائکه حاضر ای پناه مراجع تقلید

صحن بالا سر تو منزل نور مهبط جبرئیل این صحن است
بال جمله ملائک عرشی زیر پاهای زائرت پهن است

حرم اهل بیت صحن شماس حرم خانواده زهرا
کربلا و مدینه و مشهد نجف و کاظمین و سامرا

وقت تجدید عهد با زهرا شهر یثرب اگر نشد قم هست
گره هایم نگفته و اشده است تا قسم به امام هشتم هست

گرچه چنگ خزان به جان توو جان ایل و تبارت افتاده
پاره پاره ولی نشد هرگز نامه‌ای که رضا فرستاده

گرچه خم شد قدت ز فاصله‌ها ذبح اطفال را ندیدی تو
حضرت زینب امام رضا تل و گودال را ندیدی تو

وحید قاسمی

محملت با وقار می آمد سبتر از بهار می آمد
 وه! عجب خوش خرام می آمد با شکوه تمام می آمد
 محملت بود... خیل استقبال کم محلی نشد! زبانم لال!
 قم نگاهش لبالب از شرم است شام ویران که نیست! خونگرم است
 پاکی و حُجب، باور چشمش قدم میهمان سر چشمش
 چادرت ذره ای غبار ندید! آفتابی به نی سوار ندید!
 با محارم به قم رسیدی، شکر سر دروازه ای ندیدی، شکر
 دست بیعت به طبل جنگ نخورد به غرورت کلوخ و سنگ نخورد
 قم کجا؟! کوفه خراب کجا؟! تو کجا؟! زینب و رباب کجا؟!
 گوشه معجرت نمود خبر داغی از تنور نبود
 هرچه شد، شد، رسیده جان بر لب ای امان از غریبی زینب!
 عمه ات اشک ارغوان را دید خنده نحس خیزران را دید
 ته گودال پُر بلا را دید تن پامال چکمه ها را دید

محمود ژولیده

السلام ای مجدّد اسلام ای به معنا مبلغ احکام
السلام ای کریمه عترت ای مدار سخاوت و اکرام
ای نشان از خدیجه کبری وی مرامت ز فاطمه پیغام
السلام ای سليله الزهرا آیه الله واجب الإعظام
السلام ای عقيله الثانی زینب دوم از غم ایام
ای رضارا تمام قد شیعہ عطر او از تو گردد استشمام
لفظ صدّیقه جزو القابیت در صداقت بفاطمه همگام
عابده زاهده محدّثه ای در مقام تونیست هیچ ابهام
ای به سر سایه تو، أَلْمِنَّة اشفعی للغریب فی الجنة

ای مقامت کنیز رحمانی وی به آل رسول ارزانی
ای دل و جان حضرت کاظم وی دلت جلوه گاه سبحانی
ای سفیر بلند آوازه که تویی زائر خراسانی
نام تو هر کجا که می آید آبرو بخش بزم روحانی
دامن نجمه هست گلریزان از تو با غنچه های رضوانی
در حقیقت تویی تویی تسلیم در همه امتحان ایمانی
هر کسی تابع تومی گردد میرسد تا عروج انسانی
ای که در قم بلند مرتبه ای نه فقط بر زنان ایرانی
مورد احترام نوع بشر سایه ات شوکت مسلمانی
ای به سر سایه تو، أَلْمِنَّة اشفعی للغریب فی الجنة

یک زن و این همه ثنا بانوا! این همه در خدا فنا بانوا!
زن نه دوشیزه ای شرف پرور در تمام زمانه ها بانوا!

هجرت عبرت همه تاریخ در ره یاری خدا بانو!
 کربلا را دوباره کردی خلق مثل بانوی کربلا بانو!
 هرچه دیدی مصیبت و هجران یاد کردی ز نینوا بانو!
 با همین ابتکار زینبی ات اصل دین را شدی بقا بانو!
 آفریدی حماسه ای جاوید با صبوری به ابتلا بانو!
 خوش درخشیدی ای ستاره عشق در میان ستاره ها بانو!
 از مدینه قیام تو تا قم مایه نصرت رضا بانو!
 انقلاب از تو پا گرفت اینجا ای مجیب امام ما بانو!
 درس عشق و شهادت و ایثار از تو شد مشق جبهه ها بانو!
 ای مراجع غلام درگاهت وی خلیق ترا گدا بانو!
 منتقم را بخوان که می آید به دعای دل شما بانو!
 انتقام برادرانت را گیرد از خصم بی حیا بانو
 انتقام حسین و زهرا را گیرد از اشقی الاشقی بانو
 ای به سرسایه تو، اَلْمِئَّةُ اشفعی للغریب فی الجنة

بادل میملو از محبت تو آمدم در کنار تربت تو
 رو سیاه آمدم به شرم حضور تا ببخشد خدا به حرمت تو
 بانوی بانوان موسایی! تشنه ام تشنه عنایت تو
 من کجا این حریم با عظمت این هم از شیوه کرامت تو
 حرم اهل بیت شهر قمت مومنین طالب زیارت تو
 بر سر شیعیه سایه افکنده است از ازل پرتو ولایت تو
 خار چشمان دشمنان شهرت نور چشمان دوست شهرت تو
 اسوه بانوان نجابت توست الگوی هر زن است عفت تو
 ای تجلی گاه امام زمان حرم با صفای حضرت تو
 جمکران زائر شب و روزت عزت زائران ز عزت تو

زائر مشهد الرضا هربار گیرد اذن سفر ز جنت تو
آستان تو آشیان ملک مأمَن جبرئیل دولت تو
انبیا قدر دان کوثری ات اولیا مفتخر به نعمت تو
ای شفاعتگر همه شیعه عالمی تشنه شفاعت تو
ای به سرسایه تو، ألمِنَّة اشفعی للغریب فی الجنة



فصل هفتم؛ بصیرتی - اجتماعی

میشم رنجبر

اسلام ما، طریقت ما، راه و دین ما
 گشتی نوح ما، همه جبل‌المتین ما
 اسلام ما، تشیع ما، جان ما سلام
 خون لاله‌ها فدای تو، ایران ما سلام
 این راه و رسم سربه‌نهادن، حسینی است
 کلاً طریقت همه ما خمینی است
 این انقلاب صادره، اسلام سرمدی ست
 حکم خمینی است، ز احکام سرمدی ست
 درس جهاد نقطه عطف کتاب ماست
 خون شهید، ضامن این انقلاب ماست
 ماندن به ایستادن و در راه و در خطر
 یوسف شدن به قیمت یک چاه و در خطر
 ما سفره‌هایمان پُر از نانِ غیرت است
 برکت فزون سفره ما از بصیرت است
 سیلی گرفته از شبِ زجریم تا ابد
 فرزندِ فجر و عاشقِ فجریم تا ابد
 ای دشمنم! بمیر تو در نیتِ خودت!
 باید بمیری از عصبانیتِ خودت!

ما آمدیم تا که جهان بی غرض کنیم
 باید معادلات جهان را عوض کنیم
 ما سی و پنج سال پُراز استقامتیم
 تا لحظه ظهور همه راست قامتیم
 مانند نامه، شعر، بین سرگشاده است
 این پاشنه به روی دَرش ایستاده است
 این در نظام و پاشنه اش خون هر شهید
 آرامش من و تو که مدیون هر شهید...
 باید بصیر بود در این نام و ننگ‌ها
 باید که گولمان نزند نقش و رنگ‌ها
 باید بصیر بود و به دشمن امان نداد
 در صحنه بود و لحظه‌ای اصلاً امان نداد
 باید بصیر بود و چنان هوشیار بود
 فتنه شناس و فتنه کُشِ روزگار بود
 باید که یافت صاحب و ضامن در این مسیر
 باید شناخت غافل و خائن در این مسیر
 گاهی مسیر حادثه پُر دود می‌شود
 گاهی تمام رود گِل آلود می‌شود
 باید در این مسیر بمانی برادرم
 فرق سراب و آب بدانم برادرم
 هر شاپرک به سوی خدا می‌برد تو را
 این جاده سمت کرب و بلا می‌برد تو را
 این انقلاب مفت به دست نیامده است
 با است و بود و گفت به دست نیامده است

خون‌ها به پای سرو عزیزِ نظام ریخت
 اکنون حلالِ رشد نمود و حرام ریخت
 تقویم را به یادِ شهادت رقم خوریم
 بر قطره قطره خون شهیدان قسم خوریم
 باید به عهدِ آینه‌ای در شتاب بود
 باید کنارِ خامنه‌ای هم رکاب بود
 خامنه‌ای؛ خمینی و آئینه هم‌اند
 پرچم به دستِ حضرت عباسِ عالمند
 باید فُشرد این همه دستانِ گرم را
 هم‌رزم بود حادثهٔ جنگِ نرم را
 باید بساطِ کفر، بچینیم از جهان
 باید که طرحِ تازه ببینیم از جهان
 یا صاحب‌الزمان تو خودت دستِ ما بگیر
 تا در مسیر و راه نگردیم ما اسیر
 «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَکُمْ... پای جاده ایم
 حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ... ایستاده ایم!»

حسین صیامی

امروز عراق صحنه پیکار دیگری ست
بر قلب شیعه دشنه خونبار دیگری ست
تبیین قصه گردن عمار دیگری ست
تا فتنه قصد شعله زدن می‌کند رفیق
دشمن لباس دوست به تن می‌کند رفیق

فهم خواص دست عوام است ای دریغ
دنیا برای جهل به کام است ای دریغ
وقتی کمک به غزه حرام است ای دریغ
این کوه ادعاست که آورده علم هم
اینجا لباس جهل به تن کرده هم

وقتی به روی دوست کسی سنگ می‌زند
با دست خویش بر رخ خود چنگ می‌زند
دشمن شناس بودنمان لنگ می‌زند
با این کلام گوش بدهکار لازم است
در این زمان بصیرت عمار لازم است

با دشمنی اگر چه بسازی تو ارگ‌ها
در کارزار جای همین لعن و مرگ‌ها
با ریشه‌ها بچنگ نه با شاخ و برگ‌ها
پس تازه نیست مثل قدیم آب می‌خورد
این شاخه‌ها ز اورشلیم آب می‌خورد

هر فتنه آمده است به دنبال صهیونیزم
هر قصه‌ای ادامه جنگال صهیونیزم
از نیل تا فرات به چنگال صهیونیزم
مرگا اگر که زنده بمانیم آن زمان
الحق که مردگان زمانیم آن زمان

از دست هات خون کبوتر چکیده است
تاریخ ما شبیه تو پستی ندیده است
صهیون بمیر وقت هلاکت رسیده است
آب خوش است بین دهان خشک می‌شود
از خون غزه ریشه تان خشک می‌شود

پس راه اگر مقاومتی این چنین بود
حتی هزار داغ دگر دل نشین بود
اینک پیام غزه به عالم همین بود
خیری از این مذاکره‌ها کس ندیده است
تنها مقاومت به نتیجه رسیده است

هر جنگ تازه رخ بدهد می‌بریم ما
سربازهای اول این لشکریم ما
از مردمان غزه مگر کمترین ما
دیگر بس است بازی گندم نمی‌خوریم
ما از کنار سیدعلی جم نمی‌خوریم

سید هاشم وفائی

ای علمداران علمداری کنید رهبر اسلام را یاری کنید
بازهم در غربتی پراز خروش "آین عمار" علی آید بگوش
گوئیا که شام عاشورا شده عشق در این امتحان معنا شده
رفتنی‌ها می‌روند از کربلا کیست تا باقی بماند بروفا
عشق را بار دگر احیا کنید گوش جان خویشان را وا کنید
رهبری بیدار دل فریاد زد شعله‌ها بر جان استبداد زد
بی بصیرت، عالمی در غفلت است بی بصیرت، دین حق در غربت است
سعی در راه شریعت لازم است در ره ایمان بصیرت لازم است
دل به سوی کربلا پرمی‌زند نبض ما با نبض رهبری‌زند
مادل خود را به رهبری‌دهیم ما به فرمان علی سرمی‌دهیم
جلوه ایمان ز رویش منجلی است رهبر بیدار ما "سید علی" است

محمود ژولیده

جان نثارانی که جان را زیر پا بگذاشتند
 پا فراز قلّه قرب خدا بگذاشتند
 تا ز صهبای حقیقت جرعه‌ای کردند نوش
 با بلا قول و قرار کربلا بگذاشتند
 ما به خود مشغول و آنان بهر تحصیل کمال
 با براق عشق پا در جبهه‌ها بگذاشتند
 ما به دنیا بسته دل آنان زهستی شسته دست
 کین چنین پا در حریم کبریا بگذاشتند
 تا وضو با خون گرفتند این شهادت پیشگان
 سر به سجده در منای قرب لا بگذاشتند
 این برمردان که در عالم ندیده روزگار
 گوی سبقت برده وحسرت بهرما بگذاشتند
 ما به عشق کربلا دلشاد و آنان رهنمون
 با نثار خون در این ره رد پا بگذاشتند
 با تن صد پاره گرفتند از این خاکدان
 صد هزاران خاطره از خود به جا بگذاشتند
 شاعر ژولیده می‌گوید که اندر دار فنا
 ما قدم را در کجا آنان کجا بگذاشتند

یاسر رحمانی

خدا کند نشوم هم کلام بعضی‌ها
که لعنت است جواب سلام بعضی‌ها
اگر چه خادم بیت اله‌اند اما هست
به سوی کفر قعود و قیام بعضی‌ها
به طرز خوردن شام و شراب مربوط است
اصول و فقه و حرام و حلال بعضی‌ها
تمام فتنه عالم به دست این آل است
که هست در کف شیطان لجام بعضی‌ها
خدا گواست ز فعل حرام روئیده
تمام نطفه و لحم و عظام بعضی‌ها
شده تمام جنایات مصر و سوریه
به نام شیعه و سنی، به کام بعضی‌ها
ز خون شیعه پاراچنار تا بحرین
اضافه کن همه بر اتهام بعضی‌ها
هرآنکه در صدد اختلاف افکنی است
یکی است منطبق او با کلام بعضی‌ها
جوان شیعه اگر با بصیرتی نکند
بعید نیست بیفتد به دام بعضی‌ها
نظر به آیه «بَلْ هُمْ أَضَلُّ» کن و بنگر
خدا چه گفته به وصف مقام بعضی‌ها
شبهه عاقبت موج و صخره نزدیک است
سقوط سلطنت و انهدام بعضی‌ها

خدا کند که بیاید امام غائب ما
به هم زندگی و بن نظام بعضی‌ها
به این دلیل نکردم به نامشان تصریح
که داشت مشکل تطهیر نام بعضی‌ها

بخش پنجم؛ کلچین
مجالس مداحان

فصل اول؛ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

ترک ۱ - روضه^۱

گویا دوباره بی کس و بی یار و خسته‌ای
این روزها کنار دو بستر نشسته‌ای
انگار غصه دار جراحات سینه‌ای
گاهی به سامرای و گاهی مدینه‌ای
یک بار فکر زهر و دل پر شراره‌ای
یک بار فکر سیلی و دو گوشواره‌ای
با اینکه بر سر پدر دیده بسته‌ای
اما به یاد مادر پهلو شکسته‌ای^۲

یا امام عسکری شمام تو جوونی به شهادت رسیدید. می‌گن
زیر سی سال حضرت به شهادت رسیده... به شما معتمد
زهر داد، جگرتون رُپاره کرد، شما جوون بودی به شهادت
رسیدی، اما مادر ما هجده سال بیشتر نداشت...
امام عسکری رُبه زهر کشتند. سبب شهادتش زهر معتمد
عباسی بود...

عزیزت از دنیا بره اجازه دفن نمیدن، مگر اینکه دلیل مرگ
مشخص باشه... دلیل شهادت امام عسکری معلومه، اما به
مادر هجده ساله... مادری که بین در و دیوار افتاد رو زمین،

۱. با نوای: حاج سید مهدی میرداماد

۲. علی زمانیان

دلیل شهادتش چیه؟! امام باقر فرموده سبب شهادت مادر
ما...

_____ الهی بشکنه دست مغیره _____ میون کوچه‌ها بی مادرم کرد
انقد نانجیب با غلاف شمشیربازوی زهرا رُ هدف گرفت... اما
سبب شهادت جد غریبش حسین... و الشمر جالس علی
صدره...

_____ او می دوید و من می دویدم... _____

ترک ۰۲ - زمینه^۱

خونش خراب اون که مسمومت کرد از درمون طبیبیا محرومت کرد
 تو بستری و آروم نداری آقا دستای گرم پسرت آرومت کرد
 خونین جگر خونه رو لبات بی رمق شدی بمیرم برات
 امام عسکری چرا بی لشگری مته علی غریبی و بی یاوری
 داری آتیش می‌گیری یاد مادری
 خونه شده دار العزا وای از غم زهر جفا

عبا و عمامه تو غارت نرفت اهل و عیالت دیگه اسارت نرفت
 نیزه و خنجر نخوردی از ظالما سرت رو نیزه به شهر غربت نرفت
 ناله می‌زنی یاد کربلا یاد حنجر شاه سر جدا
 یاد حسین تشنه لب گریه می‌کنی واسه اسیری زینب گریه می‌کنی
 شب و روز از سوز عطش گریه می‌کنی
 خونه شده دار العزا وای از غم زهر جفا

ترک ۰۳ - زمیته^۱

وای از زهر کینه دورم از مدینه

امشب ای خدا دم سفرم ناله می‌زنم بیا پسرم می‌سوزه جیگرم

وای سامرا کربلا شده وای حاجت من روا شده

وای مهدی صاحب عزا شده

روز خوش ندیدم دیگه من بریدم

حتی خونمم تحت نظرم تو جوونی با چشای ترم شبیه مادرم

وای غم غربت رو شونمه وای دیگه این نیمه جونمه

وای قبر من بین خونمه

امشب ماه زهرا داره مثل سقا

می رسونه آب به لبای من از راه اومده عاشورای من

وای تا حسین صدا زدم وای تشنه لب دست و پا زدم

وای تشنه لب دست و پا زدم

ترک ۰۴ - نوحه^۱

امام عسکری جانفش فدا شد مهدی فاطمه صاحب عزا شد

بقیه الله آجرک الله

یا صاحب الزمان عجل ظهورک

مهدی امشب به بالینش نشستہ دلدار عالمین شد دل شکسته

از داغ بابا شد دیده دریا

عالم فدایت ای مهدی زهرا

یا صاحب الزمان عجل ظهورک

اول فدایی راه ولایت از دین حق کرده زهرا حمایت

سوره کوثر آورده حیدر

یا صاحب الزمان عجل ظهورک

ترک ۰۵ - واحد ۱

سامرا عزا گرفته بوی کربلا گرفته

آسمون داره می باره یا دل آقا گرفته

شب ماتمه برای همه برا آقامون دلا پر غمه

آجرک الله بقیه الله

زندگیم تو این حریمه گریه ارث مادریمه

دستم بازم گرفتی این جواز نوکریمه

می دونم بدم ولی اومدم برای بابات به سینه زدم

من تا ابد گدای این خونم نوکر منم فدای تو جونم

با غم تو دوباره می خونم

وقتی که عزا می گیرم روزی از شما می گیرم

روضه عطش می خونم بوی کربلا می گیرم

هی میگه رباب پسرم بخواب میاره عمو برای تو آب

عمه میگه بابا داره میاد بابا میگه عمو جون نمیداد

میرحرم نیامد ابوالفضل ابوالفضل

آب آورم نیامد ابوالفضل ابوالفضل

فصل دوم؛ ولادت پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام

تک ۰۱ - شعر

خبرت هست که آن طاق معلی افتاد
 ناگهان کنگره سنگی کسری افتاد
 خبرت هست ستون‌های یهودا افتاد
 خبرت هست هبل خرد شد عزی افتاد
 خیراین است زمین پر شده از آب حیات
 آی بر احمد و بر آل محمد صلوات

یک نفر آمده تا بار جهان بردارد
 پرده از منظره باغ جنان بردارد
 تا که از گرده ما یوق گران بردارد
 از کران تا به کران بانگ اذان بردارد
 آخر از سمت خدا آنکه نیامد آمد
 چهارده تن همه با نام محمد آمد

شب شکست و به زمین بارش مهتاب آمد
 عشق برقی زد و بر هر دل بی تاب آمد
 جبروت و ملکوتی ست که در قاب آمد
 فال حافظ زدم و این غزل ناب آمد

گلعداری ز گلستان جهان ما را بس
زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس

حق بده دیدن این معجزه حیرت دارد
فقط این ابربه باریدنش عادت دارد
نفسش گرم خدایا چه حرارت دارد
سایه اش نیست و در سایه قیامت دارد
عرشیان را بنویسد پیمبر این است
قبله روز و شب حضرت حیدر این است

کیست این ای نفست پاک تراز پاکی‌ها
غرق تسبیح بزرگی تو افلاکی‌ها
اشهد و انّ که حیران تویی باکی‌ها
نوری و نور پراکنده بر این خاکی‌ها
ای نفس‌های علی ای همه هست زهرا
عالمی دست تو بوسید و تو دست زهرا

تو درخشیدی و انوار حیات آوردی
سیزده رشته قنات از عرفات آوردی
سیزده چشمه جوشان نجات آوردی
سیزده مرتبه بانگ صلوات آوردی
آخرین باده ات از این همه خم می‌آید
با دعایت علم چهاردهم می‌آید

ششمین آینه ات آمد و پروانه شدیم
 سرزلفی که با مرحمتش شانه شدیم
 مرد این راه نبودیم که مردانه شدیم
 شیعه جعفری و خادم این خانه شدیم
 آسمان را کلماتش سخنش پر کرده
 و خداوند بر این جلوه تفاخر کرده

گرچه از عطر تو این دشت شقایق دارد
 چقدر دور و برت شهر منافق دارد
 چه غریبی که فقط چند تن عاشق دارد
 دل زهرایی تو صحبت صادق دارد
 تو بشیری و به شور ازلی می‌آیی
 سر هر صبح به دیدار علی می‌آیی^۱

باز پیچیده در این شهر پیامت آقا
 پشت یک خانه تو هستی و قیامت آقا
 عادت صبح تو شد عرض سلامت آقا
 و سلام است فقط تکیه کلامت آقا
 از تو داریم سلامی پر عطر و برکات
 باد بر احمد و بر آل محمد صلوات

۱. هر روز در خانه فاطمه زُمی زد هر روز دق الباب می‌کرد. می‌فرمود السلام علیکم یا اهل بیت النبوة... یه بار، سه بار سلام کرد تا جواب از داخل خانه شنیده شد. فاطمه جان صدای باباژ نشنیدی؟ عرضه داشت آری بابا جان شنیدم. چرا جواب ندادی؟ عرضه داشت بابا می‌خواستم بیشترین سلام از دهانتون بشنوم. چقدر صدای لطیفی داشت رسول اکرم...

ترک ۰۲ - شعر

از دل شب زده مکّه سحر می‌آید
عاقبت عمر شب شهر به سر می‌آید
بال جبریل روی خاک زمین فرش شده
دارد از عرش خداوند خبر می‌آید
آسمان مات و زمین محو و زمان مبهوت است
مادری در بغلش قرص قمر می‌آید
حضرت آمنه لبخند روی لب هایش
جای باباش چه خالیست پسر می‌آید
آمده عرش زند بوسه به خاک گذرش
سیزده نور دگر جلوه کند پشت سرش

امشب از مرتبه و نام و نشان باید گفت
رو نمای قمری تا دم جان باید گفت
همه جا عطر سلام و صلواتش پیچید
بر سر مآذنه‌ها باز اذان باید گفت
از قدم هاش ببین کنگره‌ها می‌شکند
امشب از لحظه تغییر زمان باید گفت
با رسولان خدای ازلی از شأن
مقتدای همه پیغامبران باید گفت
خشک دریاچه و آتشکده خاموش شده
امشب از معجزه یم جریان باید گفت
لرزه بر پیکره لات و هبل افتاده
از به سر آمدن عمر خزان باید گفت

همه مهمان کرامات خداوند شدند
از کرم خانه پیغمبرمان باید گفت

آمدی تا که زمین عرصه محشر باشد
حال دیروز دل غم زده بهتر باشد
تو که هستی که خداوند تو هنگامه وحی
پیش تو خواست که جبریل کبوتر باشد
تا ببینی رخ خود آینه‌ای لازم نیست
پیش چشمان تو کافیست که حیدر باشد
خطبه خوانی تو بر منبر عرش است دگر
حاجتی نیست که از بهر تو منبر باشد
به بزرگیت رسولان خدا معترف اند
نیست در رتبه کسی با تو برابر باشد
حق نوشته ست که یک نیمه تو از حیدر
دخترت فاطمه هم نیمه دیگر باشد
حق نوشته است که از بین مریدان رسول
هر که شد شیعه مولای نجف سر باشد
شکرالله همه هم وطن سلمانیم
ما در اسلام فقط پای علی می مانیم

ششمین حجت حق روی زمین پیدا شد
برهوت دل من با قدمش دریا شد
صادق آل محمد که به دنیا آمد
آسمان در شعف از مژده اعطینا شد
سرخورشید به خاک قدمش افتاده

قعر گهواره او قلب همه دنیا شد
برکت‌های خدا را به زمین آورده
خاک بی جان به دم فاطمی اش احیا شد
پای درسش زده زانو به خدا روح الامین
گره‌های همه با بردن نامش وا شد
نام او جعفر و شد کنیه اباعبدالله
کنیه اش گفتم و دل زخمی عاشورا شد
کنیه اش گفتم و دیدم سفر کرب و بلا
به نسیم نفس حیدریش امضاء شد
شیعه جعفریم سرخوش از این تقدیرم
حضرتش امر کند جان بدهم می میرم

ترک ۰۳ - شعر

ما تشنه ایم و راهی دریا شدن خوش است
 سلمانمان کنید که مینا شدن خوش است
 یا حضرت رسول فدای ملاححت
 با نام دلربای تو شیدا شدن خوش است
 از برکت تو سفره ما رنگ و بو گرفت
 پس ریزه خوار سفره مولا شدن خوش است
 ما گم شدیم در دل دنیای بی کسی
 پشت در حرای تو پیدا شدن خوش است
 خوب است پیش دشمن تو قد علم کنیم
 اما مقابل قد تو تا شدن خوش است
 خاک در تو از دُر و زر قیمتی تراست
 پس ریزه خوار حیدر و زهرا شدن خوش است
 ای اعتبار عالم و آدم خوش آمدی
 تو مصطفی ای، احمدی، آقا محمدی

با خلقت وجود تو خلقت شروع شد
 با جلوه جمال تو عصمت شروع شد
 سجاده پهن شد که تو باشی و ذات حق
 از آن به بعد بود عبادت شروع شد
 عالم برای بوسه به دست تو آمدند
 یک واژه‌ای به نام ارادت شروع شد

با بودندت حلیمه سعدیه دید که
لحظه به لحظه برکت و نعمت شروع شد
دستی نبود تا که نگیرد دعای آن
با مقدم تو سیل اجابت شروع شد
پیغمبرانه بود حضوری که داشتی
آقا نمک به سفره عالم گذاشتی

آقای من تو واسطه نشردین شدی
در بدترین زمانه شما بهترین شدی
بر روی مسند نبوی بین انبیاء
دیرآمدی و بر همه بالانشین شدی
چشمان مکه شاهد آقایی تو بود
اینکه تو در تمامی عالم امین شدی
از لحظه ولادت خود حضرت رسول
تو رحمت خدایی و للعالمین شدی
عالم فدای نام ابالقاسم شما
زیرا شما قسم بهشت برین شدی
نقش نگین خاتم تو گشت یا علی
از آن به بعد بود که صاحب نگین شدی
هرجا قدم زدی پریاس و صنوبر است
قطعا گل محمدی از تو معطر است

باید فقط تو راهی غار حرا شوی
باید فقط تو هم نفس با خدا شوی

با این مقام و منزلت و شأن و عزت
 باید هم آبروی همه انبیاء شوی
 تنها به عشق نام تو گلدسته ساختند
 تا اشهد اذان همه ماسوا شوی
 حق با علی ست غیر علی ناحق اند و بست
 یک لحظه هم نشد که تواز حق جدا شوی
 بعد از تو هرکسی به علی اقتدا نمود
 راه خود از مسیر شیاطین جدا نمود

مولای ما کسی ست که شیر دلاور است
 مولای ما کسی ست که با حق برابر است
 مولای ما کسی ست که جان و دل تو بود
 مولای ما کسی ست که با تو برابر است
 مولای ما کسی ست که لایق تر از همه ست
 شیر خدا و همسر زهرای اطهر است
 مولای ما کسی ست که مثل خدا یکی ست
 نامش علی ولی اسدالله حیدر است
 مولای ما کسی ست که بابای امت است
 مولای ما کسی ست که مولای قنبر است
 مولای ما کسی ست که شاگرد درس او
 در فقه و در علوم الهیه جعفر است
 آنکس که پای مکتب او جان گرفته ایم
 درس خدا شناسی و ایمان گرفته ایم

جعفر اگر نبود خدا محوری نداشت
کشتی علم ذات خدا لنگری نداشت
جعفر اگر نبود علوم کتاب حق
سوگند بر خدا که روایتگری نداشت
ما شیعیان عاشق این خانواده ایم
با جان و دل به یاریشان ایستاده ایم

ترک ۰۴ - شعر

تو آفریده شدی و سرآمدت گفتند
 هزار مرتبه احسنت ایزدت گفتند
 تو را به سمت زمین با نسیم آوردند
 تو آمدی و ملائک خوش آمدت گفتند
 نشان دهنده معصومی قبیله توست
 اگر که قبه خضرا به گنبدت گفتند
 تمام آل عبا کلنا محمد بود
 تو عین نوری و در رفت و آمدت گفتند -
 - اگر چه یک نفری جمع چارده نفری
 تو را محمد آل محمدت گفتند
 شب ولادتت ای یار می کنم خیرات
 نثار مقدم خیر تو چهارده صلوات

برای خُلقِ تو باید کنند تحسینت
 نشد مشاهده شصت و سه سال نفرینت
 هزار و سیصد و هشتاد و چندمین سال است
 شدیم کوچه نشینت، شدیم مسکینت
 شدیم ریزه خور سفره‌های سیدی ات
 گدای سفره هر سال چهارده سینت
 تو آمدی که علی را فقط ببینی و بس
 نداده‌اند به جز دیده خدا بینت
 یتیم مکه‌ای اما بزرگ دنیایی
 اگر چه خاک نشینی، همیشه بالایی

مرا اویس شدن در هوای تو کافی ست
اگر چه باز ندیدم، دعای تو کافی ست
همینکه بوی تورا در مدینه حس کردم
لبم رسید به خاک سرای تو کافی ست
چه حاجتی به پسر داری ای بزرگ قریش
همینکه فاطمه داری برای تو کافی ست
همین که اول هر صبح پیش زهرایی
برای روشنی لحظه‌های تو کافی ست
تو آن پیمبر دنباله داری و بعدت
اگر علی تو باشد به جای تو کافی ست
قسم به اشهد ان لا اله الا الله
تو آمدی که بگویی علی ولی الله

هزار حضرت مریم کنیز مادر توست
تورا بس است همین که بتول، دختر توست
به دختران فلان و فلان نیازی نیست
اگر خدیجه و الامقام همسر توست
علی و فاطمه دو رحمت خداوندی
برای عالم دنیا و صبح محشر توست
به یک عروج تو جبریل از نفس افتاد
خبر نداشت که این تازه اوج یک پرتوست
تو با علی جریان ساز شیعه اید، اما
شناسنامه شیعه به نام حیدر توست
همیشه شکر چنین نعمتی روی لب ماست
که جعفر بن محمد رئیس مذهب ماست!

ترک ۵ - شعر

چشم تا وا می‌کنی چشم و چراغش می‌شوی
 مثل گل می‌خندی و شب بوی باغش می‌شوی
 شکل عبداللهی و تسکین داغش می‌شوی
 می‌رسی از راه پایان فراقش می‌شوی
 غصه اش را محو در چشم سیاهت می‌کند
 خوش به حال آمنه وقتی نگاهت می‌کند

با حلیمه می‌روی تا کوه تعظیمت کند
 وسعتش را با سلامی دشت تسلیمت کند
 هرچه گل دارد زمین یکبارہ تقدیمت کند
 ضرب در نورت کند بر عشق تقسیمت کند
 خانه را با عطر زلفت تا معطر می‌کنی
 دایه‌ها را هم ز مادر مهربان تر می‌کنی

یا محمد عطر نامت مشرق و مغرب گرفت
 وقت نقاشی قلم را عشق از راهب گرفت
 ناز لبخندت قرار از سینۀ یثرب گرفت
 خواب را خال تو از چشم «ابوطالب» گرفت
 بی‌قرارت شد «خدیجه» قلب او بی‌طاقت است
 تاجر خوش ذوق فهمیده‌ست: عشقت ثروت است

نیم سیب از آن او و نیم دیگر مال تو
 داغ حسرت سهم ابتر، ناز کوثر مال تو

از گلستان خدا یاس معطر مال تو
ای یتیم مکه از امروز مادر مال تو
روی این دوشت حسین و روی آن دوشت حسن
قاب قوسینی چنین می‌خواست «او ادنی» شدن

خوشر از داوود می‌خوانی، زبور آورده‌ای؟
یا کتاب عشق را از کوه نور آورده‌ای؟
جای آتش، باده از وادی طور آورده‌ای
کعبه و بطحا و بتها را به شور آورده‌ای
خال تو، سیمای حیدر، نور زهرا دارد او
جای تو خالی! حسین است و تماشا دارد او

ترک ۶ - سرود

طلوع شمس الضحی مبارک حلول بدر الدجی مبارک
 همهٔ بت‌ها فرو می‌ریزن شادی عرش خدا مبارک
 اونکه جا داره بین افلاک پا می‌ذاره حالا روی خاک
 آفرینش به زیردینش صاحب تاج نور افلاک
 خدا به روی زمین مکه میاد بگو به مردم امین مکه میاد
 عالمی سرمست می‌خونه یک دست ولادت مصطفی مبارک

ترانهٔ دلنشین محمد خواجهٔ عرش برین محمد
 صدا بزن شاه مهربون رحمهٔ للعالمین محمد
 دینش برده زیردینش فاتح خیبر و حنینش
 مکتبش جاودانی از برکت نهضت حسینش
 بوی گلای محمدی پیچیده بگو یا حیدر که زهرا عیدی میده
 شب ولادت نوید رحمت به همهٔ عاشقا مبارک

دوباره عطر شقایق اومد امید دل‌های عاشق اومد
 امام باقر پدر شد امشب مدینه میلاد صادق اومد
 صاحب درس و منبری تو شیخ صد‌ها پیمبری تو
 قلب ما ز حسینی کردی بهترین شیعه پروری تو
 عالم اسیر مرام حیدریه مرام حیدر تو خط جعفریه
 اومده امشب رئیس مذهب شیعه‌ها عید شما مبارک

ترک ۰۷ - سرود

فقط ایوون کسری نمی ریزه به پای تو همه دنیا می ریزه

از آسمون داره پیش قدم هات ستاره‌های هل اتی می ریزه

ترانه همه یا ابالزهره عزیز فاطمه یا ابالزهره

هرچی بگم کمه یا ابالزهره

شب تولدت شب جنونه دلای ما داره غزل می خونه

همه دستامون بالا میاریم به خدا دستی خالی نمی مونه

یا ابالزهره یا رسول الله

داره تپش دل همه دقایق دوباره می پیچه عطر شقایق

ازتوی گهواره گفتن امامه امامم امام جعفر صادق

به تو می دم سلام یا عزیز الله آقا تو یک کلام یا عزیز الله

فقط تو رو می خوام یا عزیز الله

تویی پایه گذار فقه و احکام به پای عشق تو کعبه تو احرام

به تبعیت از تو پا می گیرن هزار علامه و حجت الاسلام

ترک ۰۸ - سرود

مکه شده سر تا سر زیا زیبا شده این دنیا
 اومد رسول عشق و رحمت اومد پدر زهرا
 می تابه به دلا نور عشق درخشید قمر طور عشق
 دل مجنونه می خونه از شور عشق
 آگه می خوای که عاشق شی آگه می خوای که لایق شی
 آگه غلام زهرایی تو خاک پای مولایی بگو بگو یا رسول الله
 یار رسول الله یا محمد

کعبه شده مبهوت چشمت زیباست چهره ماهت
 عالم تو پناه لطف تو هستم پیرو راهت
 پیمبر به خدا بی همتاست پیمبر عاشق خوبی هاست
 در محشر هم ضامن ما عاشقاست
 آگه می خوای که با مولا بگی از امشب تا فردا
 داره می خونه آسمون اومد آقای مهربون بگو بگو یا رسول الله
 یار رسول الله یا محمد

امشب لحظه لحظه خوشحالم شاد این دل عاشق
 برپا شده جشن آقامون جشن حضرت صادق
 تبسم رو لبای زهرا تلاطم تو دل دریاها
 ما مرهون و مدیونیم به این آقا
 رئیس مذهب مولامی دنیا می دونه آقامی
 امام صادق می خوامت منم کبوتر رو بامت بگو بگو امام صادق
 آقام آقام امام صادق

ترک ۰۹ - سرود

دلم اسیر گنبد خضراته کل جهان خاک کف پاهاته
هستی و کائنات و کل عالم مدیون گردش چشmatesه
مهربون تراز پدر پیغمبر شاه عالمین و از عالم سر
برترین بنده هات شد حیدر
عبد پیغمبرم من مست حیدرم
چون مست حیدرم پس زهراست مادرم

حال و هوام عوض میشه با یادت منم مسلمون شده دامادت
از تو فقط نون و نمک می‌گیرم هستم نوکر خونه زادت
تو گل سرسبد دنیایی دل خوشی حیدر و زهرایی
عالمی بنده و تو مولایی
من خاک پای تو قلبم شد جای تو
آبرو دارم از لطف چشمای تو

ترک ۱۰ - سرود

منم و بخت بلندم برم احرام ببندم
 بشینم گوشه کعبه به همه دنیا بخندم
 مژده‌ای دل که مسیحا نفس توی راهه
 توی قاب حوض چشماش ببین عکس ماهه
 بریزید باده که امشب نمی‌گن گناهه شیشه خدا گواهه
 هوای ربیع الاول هوای بهاری غزلی عاشقونه می‌خونه قناری
 پای چشمه‌ای که لطف خدا می‌شه جاری عجب خدایی داری
 تو من خداپرستم کردی نمی‌دونم بدجوری مستم کردی
 مولا مولا یا رسول الله

قصه رافت و جوده یکی بود یکی نبوده
 همه عالم امکان زیر گنبد کبوده
 به خدا گنبد خضرا دلم ز ربوده
 حرمش تا آسموناست بی حد و حدوده
 در رحمتش رو هم روبه عالم گشوده صاحب مُلک وجوده
 همونی که میگن اسمش ز محمود و احمد هرچیم برایش بمیری می‌میری مجدد
 می‌خونه روح الامین از لب حی سرمد صلوات علی محمد
 اومده اونکه رسول الله روی لبش علی ولی الله
 مولا مولا یا رسول الله

ترک ۱۱ - سرود

یا نبی پیچیده تو مکه از مأذنه دلم برات می زنه گل پسر آمنه
تو نور چشم ما خار چش دشمننا اسم تو و مرتضی پایان حرف خدا
یا محمد رو لبامون همیشه نقل و نباته
یا محمد علت خلق تموم کائناته
یا محمد تا می گم موقع ختم صلواته
نور هدایت دلیل بندگیمه قرآن و عترت کلید زندگیمه
مدد مدد یا رسول الله محمد یا رسول الله

فدای مکتب و تک تک جنگای تو گنبد خضرای تو خاک قدم های تو
بیا بردامنش دست تو سل بزن تا به خدا پل بزن به عرش حق زل بزن
بیا امشب سرزده از آسمون نورالهی
با کلامش عاشقش می شی بخواهی یا نخواهی
صف کشیدن ملائک تو مدینه برا گدایی
با تو دارم من آقا برگ برنده دین بی محمد بگو که سیری چنده
مدد مدد یا رسول الله محمد یا رسول الله

ترک ۱۲ - شور

آسمونا زُ بین چشماشون رو به زمین
 می بینن ولادت رحمت للعالمین
 طیب همه دردا اومه حبیب خود خدا اومه
 ترانه لب فرشته‌ها یا محمد
 تا مدینه دلامون با هوای تو پرزد
 السلام علی العشق الدخیل یا محمد
 الدخیل یا محمد

راز خلقت همن دریای بی کرونه
 سر نورش کسی جز خدا نمی دونه
 شبی که شادی زهرا میشه گل یاس عاشقی وا میشه
 دلا میشه مته کیوتری که رها میشه
 غرق دریای نورم سرسپرده احمد
 السلام علی العشق الدخیل یا محمد
 الدخیل یا محمد

امشب آسمون دل دشتی از شقایقه
 هرچی داره دلامون از امام صادق
 تو دو دنیا شیعه جعفری می رسه به مقام سروری
 خدا می دونه حرم خداست دل حیدری
 جان ما به فدای خاک پای تو آقا
 دین و دنیای مایی یابن زهرا یا مولا
 الدخیل یا محمد

من در خونتون عاشقانه می‌زنم

امشب حرف دلم صادقانه می‌زنم

همیشه جام می‌رو لبم تا ابد عاشقیه مذهبم

گدای پسرای فاطمه شده منصبم

شد کمال دلم این آستان معلی

من گدای تو هستم یابن زهرا یا مولا

یابن زهرا یا مولا

ترک ۱۳ - شورا

هواثُ کردم هواثُ عشقه جشن گرفتن برا تو عشقه

میون این همه ذکر و زمزمه زمزمه های صلوات عشقه

به عشق تفصیل اومد یا رسول الله وعده انجیل اومد یا رسول الله

رو پر جبریل اومد یا رسول الله نغمه ترتیل اومد یا رسول الله

معجزه نیل اومد یا رسول الله شور ابابیل اومد یا رسول الله

یا مولا یا رسول الله

دلالتون غرق تبری کنید لعن به دشمنای مولا کنید

یه جور باید تولی ز نشون داد صلوات بلندی اهدا کنید

سایه رحمت تویی یا رسول الله باب کرامت تویی یا رسول الله

شافع امت تویی یا رسول الله به دین شوکت تویی یا رسول الله

صلح و محبت تویی یا رسول الله بانی وحدت تویی یا رسول الله

یا مولا یا رسول الله

زمستونم داره طعم بهار ارض و سماء داره ذکر شما ز

ملائکه نمی تونن بشمرن ثواب ذکر صلوات ما ز

سلمان مَناییم یا رسول الله شیعه مرتضاییم یا رسول الله

بچه های زهراییم یا رسول الله همسایه رضاییم یا رسول الله

عاشق کربلاییم یا رسول الله نوکرای شماییم یا رسول الله

یا مولا یا رسول الله

فصل سوم؛ ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

ترکی ۰۱ - شعر

آنقدر آمدند و گرفتارتان شدند
خاک شما شدند و هوادارتان شدند
زیباترین اهالی دنیای عشق هم
یوسف شدند و گرمی بازارتان شدند
لطف شماست اینکه تمامی انبیا
بالاتفاق سائل دربارتان شدند
آنها که پای منت چشم کریمتان
بی سر شدند تازه بدهکارتان شدند
این بال‌ها که زیر تب عشق سوختند
خاک تبرک در و دیوارتان شدند

ای جلوۀ خدایی بی انتها حسن
خورشید روشن سحر سامرا حسن
امشب عروج زخمی بال مرا ببر
تا سامرا مدینه نجف کربلا حسن
در بین خانواده زهرای مرضیه
باید شود تمام علی زاده‌ها حسن
زنجیره محبت زهراست دین من

با یک حسین چار علی و دوتا حسن
سوگند می‌خوریم خدا لشگری نداشت
روی زمین اگر حسن عسکری نداشت

تو کیستی که سائل تو جبرئیل شد
دست فرشته پای ضریح دخیل شد
تو کیستی که جد نجیب پیمبرت
مهرتورا به سینه گرفت و خلیل شد
تو کیستی که حضرت موسی عصا به دست
ذکرتورا گرفت اگر مرد نیل شد
اصلی که پا گرفت بدون تو فرع فرع
فرعی که پا گرفت کنارت اصیل شد
تنها خدا به خانه تو آفتاب داد
بعدا تمام زندگی ات نذر ایل شد

ترک ۰۲ - سرود

آقا تویی که از همه دل می‌بری ذکر لب من یا حسن عسکری
دعا کن به جون مهدی از زشتیا جداشم
من آرزومه با اذن زهرا به راه تو فداشم
یابن الزهرا یابن الزهرا یا حسن عسکری

مهدی زهرا آقای خوب و زیبا این شب عیدی عیدیم از تو می‌خوام
شب ولادت تو آسمون سامرا غوغاییه
میگن امام عسکری هم مثل علی زهراییه
یابن الزهرا یابن الزهرا یا حسن عسکری

رسم تو ماها که غرق در جنونیم هر شب عیدی ما از علی می‌خونیم
جون فدای قائم مقام سلسله نبوت
اونکه یه ضریش به روز خندق بالاترین عبادت
یابن الزهرا یابن الزهرا یا حسن عسکری

ترک ۰۳ - سرود

بارون رحمت روی سر من می ریزه دوباره مستم آخه پیالم لبریزه
بدون که اشک من از خوشحالیمه تموم هستیم این دست خالیمه
بین که اومده بازم دم خونت گدای قدیمی
همین که اسم تو حسن شده آقا معلومه کریمی
مولا مولا یا ابالمهدی

خدا می دونه چقده توی این شبها می شم هوایی برا دیدن سامرا
غم از دلم رفت و پرشد از شادی می گیرم عیدیم از آقام هادی
گدای سامرام و عمریه دیدم کرم تو آقا
چه سخت کربلا پیام و نبینم حرم تو آقا
مولا مولا یا ابالمهدی

برا شفاعت آقا بسه یک لبخندت خودت دعا کن برا ظهور فرزندت
بین که از دوریش قلبم پر درده خودت بگو مهدی زود تر برگرده
خدا کنه که من ظهور ببینم نذا نامیدشم
دعام همیشه اینه توی رکابش الهی شهیدشم
مولا مولا یا ابالمهدی

ترک ۰۴ - سرود

یا ابالمهدی شب میلاده خدا به زهرا باز حسن داده
به خدا گل پسرت تو همه دنیا تکه
گنبد و ضریح نو آقا چون مبارکه
گدای سامرا منم لباس خادمی تنم حرمت جارو می زنم حسن
یا ابالمهدی

می گیرن عیدی همه با شادی از تودستای امام هادی
ما به سامرا و این حرم تو می نازیم
اگه صد دفعه خراب بشه از نو می سازیم
نشد زدم به هر دری سامرا میام یه سری بطلب امام عسکری حسن
یا ابالمهدی

مثل آل الله حیدری هستی حسنی یعنی مادری هستی
از ضریح شیش گوشه توی این دنیا دوتا ست
یه دونش تو سامرا یه دونش تو کربلاست
فاطمیه با شور و شین با مدد آقام حسین قرار ما بین الحرمین حسن
یا ابالمهدی

ترک ۵ - سرود

قمر بارونه امشب لب خندونه امشب
 ز شادی هر فرشته غزل می خونه امشب
 دل شده اسیر به راه او فقیر
 گداها جمع بشید اومد امیر
 یاس حیدری عزیز داوری
 امام عسکری خوش آمدی

امجد است ابا محمد است سر تا به پا شبیه احمد است
 دلبر است مثال حیدر است چشمش ستاره و طوبا قد است
 آمده جمال ایزد نوۀ رضا خوش آمد
 یاس حیدری عزیز داوری
 امام عسکری خوش آمدی

بود یوسف شهیدش همه عالم مریدش
 خدا مانند مولا چه زیبا آفریدش
 روی او حسن گیسوی او حسن
 چشم و خم ابروی او حسن
 یاس حیدری عزیز داوری
 امام عسکری خوش آمدی

جان جان یگانه جهان آمده امام کل شیعیان
 دلربا امیر باوفا بابای مهدی صاحب زمان
 افتخار عالمین است وارث ارباب حسین است
 یاس حیدری عزیز داوری
 امام عسکری خوش آمدی

ترک ۰۶ - سرود

قرار کار تو دلبری باشه کار ما کنارت نوکری باشه
چیه بهتر از این که لقب ما گدای امام عسکری باشه
فاطمی عصمت ای علوی صولت
من دخیل می بندم رو پر قنداقت
من و عطای یک نظرتو عالم فدای گل پسترتو
یابن الزهرا

با تو غم از دل مبتلا میره با ذکرت دل من تا خدا میره
کربلایی شدن بنده به امضات راه کربلا از سامرا میره
دلا آوارات لیلی ها بیچارت
صف کشیدن برا دیدن گهوارت
من و عطای یک نظرتو عالم فدای گل پسترتو
یابن الزهرا

ما همه به شور و به التهایم برای دشمننا اوج عذابیم
اومدیم تا بفهمونیم به دنیا ما همه بچه های انقلابیم
حافظ کشوریم از همه دنیا سریم
تا نفس تو سینه ست پشت سر رهبریم
مطیع محض امر ولییم فدای راه سید علییم
یابن الزهرا

فصل چهارم؛ وفات حضرت معصومه علیها السلام

تذکره ۰۱ - روضه

قم شهر مقدس قیام است قم خانه یازده امام است
 آن روز قرار از ملک رفت ذکر صلوات بر فلک رفت^۲
 گرفتار فاطمه دفن شد شبانه نبود ز حریم او نشانه
 کی گفته نهان ز ماست آن قبر من یافته ام کجاست آن قبر
 آن قبر که در مدینه شد گم پیدا شده در مدینه قم^۲
 روزی که به قم قدم نهادی قم را شرف مدینه دادی
 با گریه شوق و شاخه گل بردن به ناقه ات توسل
 از شوق تو ای بتول دوم قم داد ندا به مردم قم
 کای مردم قم به پای خیزید از هر در و بام گل بریزید
 قم شام نبود تا که در آن فریاد زند کسی به مهمان
 قم شام نبود تا که از سنگ گردد رخ میهمان ز خون رنگ^۴
 قم کوفه نبود تا که خواهر بیند سر نی سر برادر
 حاشا که قم این جفا پذیرد مهمان به خرابه جای گیرد^۵

۱. با نوای: حاج سعید حدادیان

۲. اون روزی که او مدی به قم، موسی بن خزرج مهار ناقت گرفت، داد می زد: من مثلی؟

۳. فرمود هرچی می خوای کنار قبر دخترم بهت بدم، برو کنار قبر فاطمه معصومه.

۴. می سوخت گلوی زین العابدین... خاکستر ریختن گلو داره می سوزه... غل کنار بزین
 یه ذره نفس بکشم...

۵. غلامرضا سازگار

بهترین خونه‌های قم خونهٔ موسی بن خزرج بود. بی بی زُبرد، زن‌ها هر روز دور او جمع بودند، دعاش می‌کردند، حدیث می‌شنیدند. اما این چند روزه حالش وخیم شد. خانوم جان! روزای آخر پُر بود دور بسترت...

چند نوع روایت برای حضرت زینب نوشتند؛ یکیش اینه فرمود عبدالله خودتم برو می‌خوام زیر آفتاب جون بدم. یه خبر اینه چشمش به آب جوی افتاد، تو این باغی که عبدالله آورده یه جونی بگیره زینب. یه دفعه گفت قربون لب تشنت داداش. کنار همین آب افتاد و بال بال زد زینب. اما من می‌گم اون روزی بود که وارد شام شد زینب جون داد... یه خبر دیگه اینه، تو معالی السبطين هم هست؛ میگه نیزه دارا سرا رُ به نیزه زده بودند می‌رقصیدند دور محملاً. آواز خونا اومدند، هل‌هله و کف... می‌گن گاهی سرا می‌افتاد... می‌گن سرابی عبدالله تو دربار یزید بود، سر چیزی ازش نمانده بود... گفتن سُرُ بالا نی بزیند، سر حسین از این طرف، این هفده سر از اون طرف...

ترک ۰۲ - نوحه^۱

از دوری تو آخر می‌میرم ای برادر

شد عمر کوتاه من چون مادر

هستم تنها یا غریب الغریبا من زینب و شهرقم کرب و بلا

شد اشهدم یا علی موسی الرضا

آه رضا جانم رضا

بنگر که نامه ات را بر سینه می‌گذارم

از آسمان چشمم می‌بارم

خون شد دلم از دوری پدر نیمه جانم در نیمه صفر

مانده از تو معصومه بی خبر

آه رضا جانم رضا

درقم که بر سر من گل ریزد از سربام

هستم به یاد زینب وای از شام

گرچه دیدم غمهای بی حساب کی دستانم شد بسته با طناب

کی رفتم من در مجلس شراب

آه حسین جانم حسین

ترک ۰۳ - واحد ۱

یه خواهر دلخون ز راه اومده با قلبی پریشون با غصهٔ مجنون

با چشمی پراز اشک و آه اومده

آخه نداره دیگه صبر و قرار با قلبی پراز غم با اشکای نم نم

فقط داره شوق زیارت یار

روزی که سفر کرد چه آرزوها داشت رو لبها نوای رضا یا رضا داشت

دلش بی قراره برای برادر ولی نداره دیگه تاب سفر

به در شده خیره دو تا چشم خیسش شاید بیارن از آقاش یه خبر

واویلتا واویلتا واویلتا واویلا

می دونی چقد سخته دلواپسی می دونی که سخته چقد بی قراری

آگه که باشی چشم به راه کسی

با قلب پراز حزن و ناله بگو آیینۀ زینب برای ما امشب

از روضهٔ یاس سه ساله بگو

بگو به شب غصه هاش سحر اومد بگو باباش اومد ولی با سراومد

چی میشه برامون تو روضه بخونی بخونی از اون قامت کمونی

بگو برامون از اون چشمای نیلی بخون از اون لبهای خیزرونی

واویلتا واویلتا واویلتا واویلا



فصل پنجم؛ شور حسینی

ترک ۰۱ - شور

من تو ز دارم هیچی نمی خوام کرب و بلا ته آخر دنیا
 من نمی دونم چقد تو خوبی هوا ت کردم دم غروبی
 مهربون تر از بابامی تو همونی که می خوامی
 ته هر لطف و مرامی یه کلام آخه آقامی
 آقامی همه دنیا می به خدا رویامی همه جا باهامی
 اربابم یا حسین

از همه سیرم از خودم حتی دیگه بریدم از همه دنیا
 گوشه هیئت دلم گرفته دلم هوای حرم گرفته
 اسم تو که دم گرفتم کربلا قدم گرفتم
 دوست دارم عکسی که آقا خودم از حرم گرفتم
 مهربون تر از بابامی تو همونی که می خوامی
 ته هر لطف و مرامی یه کلام آخه آقامی
 آقامی همه دنیا می به خدا رویامی همه جا باهامی
 اربابم یا حسین

حسرت من شد یه حرم آقا با پدر و با مادرم آقا
 غریق رحمت کن پدرم ز داده نشونم راه حرم ز

چقد از حرم شنیدم از تو دلبرم شنیدم
اولین بار اسمت از لب مادرم شنیدم
مهربون تر از بابامی تو همونی که می‌خوامی
ته هر لطف و مرامی یه کلام آخه آقامی
آقامی همه دنیامی به خدا رویامی همه جا باهامی
اربابم یا حسین

ترک ۰۲ - شورا

دلِ تنگم آواره میشه بدون حسین توی رویا پریده تو آسمون حسین
 شب جمعه که میره دلم همش به حرم می شینه دل پایین پای جوون حسین
 بازم اریاب دلم هوای کربلا ت داره دلم شوق نظر به گنبد طلا ت داره

خاک پای زائرای کربلا رو چشم یه عمریه حسرت زیارت می کشم
 شب و روزم دعای قنوت من همینه الهی باز مسافر شیش گوشه بسم
 توی دنیا بهشت بین الحرمین عشقه می خونه دل تو اریابا فقط حسین عشقه

ترک ۰۳ - شورا

نیمه شبای کربلا به خدا رویای منه
غروب بین الحرمین جلوی چشمای منه
به هوای حرم به زیر پرچمت می خونم گریه می کنم برا غمت
تا دوباره بیاد آقا محرمت
تو دنیای منی آقای منی ارباب منی
من مجنون توام لیلای منی ارباب منی
لیک لبیک اباعبدالله

چقد دلم تنگ برا شبای جمعه حرم
چند سالیه منتظرم تا نوبتم بشه برم
نگاٹ برنداری از دلم آقا من التماس می کنم تو ز خدا
بذار یه بار دیگه پیام به کربلا
تو تکیه گاه منی سرپناه منی ارباب منی
من نوکر توام پادشاه منی ارباب منی
لیک لبیک اباعبدالله

نمی ره از فکرم آقا روضه قتلگاه تو
هنوز می سوزونه دل صدای سوز و آه تو
با لب تشنه از قفا برید سرت نشسته و داره می بینه مادرت
می زنه بر سر و می خونه خواهرت
تو پاره پاره تنی چرا بی کفنی سالار منی
من در هجوم نگاه تو صدام می زنی سالار منی
لیک لبیک اباعبدالله



فصل ششم؛ شور علوی

ترک ۱ - شورا

دلبری سروری محشری علی یا علی صاحب و ساقی کوثری علی یا علی
صاحب تیغ دوسر علی علی یا علی مرد نبرد و خطر علی علی یا علی
شاه قضا و قدر علی علی یا علی
یا علی تاب و توان ما یا علی خط امان ما یا علی ای ضربان ما یا علی

اذن دخول حرم علی علی یا علی سایه روی سرم علی علی یا علی
قبله و کعبه و حج علی علی یا علی پرچم روز فرج علی علی یا علی
یا علی مالک لا فتی یا علی معنی انما یا علی ای هنر خدا یا علی



فصل ہفتم: نواہای بصیرتی

ترک ۰۱ - واحد سبک

بچہ‌ها یادتون نرہ حال و هوای شہدا
شماہا ز قسم می‌دم بہ مادرای شہدا
آہ اونہا کہ دادن مہجور و گمنام جووناشون در راہ اسلام
آی بچہ‌ها خوبہ کہ ما پیرو اونہا باشیم
فدایی عشق حسین مثل شہیدا باشیم
آہ آہ و واویلا

راہ شہیدا راہیہ کہ واقعاً خداییہ
صراط مستقیمہ و مسیر کربلاییہ
آہ راہ شہیدا راہ حسینی موندن تا آخر یار خمینی
باید ما ہم مثل اونا یار ولی بمونیم
ہمیشہ یار و یاور سید علی بمونیم
آہ آہ و واویلا

پیچیدہ تو فضای دل عطر مزار شہدا
از کنار مزارشون دلا می‌رہ کربلا
آہ چہ کربلایی کہ خاک دردہ ہنوز یہ خواہردارہ می‌گردہ
نمی بینہ تو قتلگاہ پیکرنور عین
پیدا نمی کنہ تن بی کفن حسین
آہ آہ و واویلا

آی شهدا بیاید به یاد کربلا گریه کنیم
بیاید برای غربت خون خدا گریه کنیم
آه برا غریبی که سر جدا شد ذبیح العطشان به کربلا شد
به یاد داغ کربلا چونها رسیده بر لب
فقط خدا می دونه که چهها کشیده زینب
آه مظلومه زینب

ترک ۰۲ - نوحه

حجاب تو ای خواهر مسلمان بود اطاعت از کلام قرآن

چادرت زینت است پاکی طینت است

مکر عدو نقش بر آب است عزت تو حفظ حجاب است

یا زهرا یا زهرا یا زهرا

با ظاهری اسلامی و مصفا تو وارثی به زینب و به زهرا

چادرت سلاح است روزشان سیاه است

مکر عدو نقش بر آب است عزت تو حفظ حجاب است

یا زهرا یا زهرا یا زهرا

ترک ۰۳ - نوحه

سرباز پیغمبر شهید گمنام سلام خدا بر شهید گمنام
 ذکر دل ما در سوگ آنها
 واویلا واویلا آه و واویلا

اینها فدایی راه ولایتند اصحاب شهید کربلایند
 آن نور دلها فرزند زهرا
 واویلا واویلا آه و واویلا

او که شد کشته امر به معروف در خون آغشته امر به معروف
 بین دشمنها غریب و تنها
 واویلا واویلا آه و واویلا

ای جان فدایان راه سعادت ما را نزد خدا کنید شفاعت
 قسم به طاهها به حق زهرا
 واویلا واویلا آه و واویلا

ترک ۰۴ - شور

با اذن فرمانده دلدادۀ رزمیم در جبهۀ شامات آمادۀ رزمیم
ما با خمینی عهد و پیمان وفا بستیم ما پیرو راه شهیدان بوده و هستیم
ما با ولایت پشت استکبار بشکستیم
ما یار مظلومانیم در مکتب قرآنیم
با یاری آل الله پیروز هر میدانیم
لَبَّيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ

از چنگ استکبار آن بی حیای شوم باید شود آزاد سوریه مظلوم
یارب به حق حضرت زینب عنایت کن ما راتواهل بندگی اهل سعادت کن
از راهیان راه ایثار و شهادت کن
در راه حق می مانیم شعروفا می خوانیم
با یاری آل الله پیروز هر میدانیم
لَبَّيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ

ما جملگی هستیم فرزند عاشورا از نسل مُغْنِیَه از نسل همت ها
ما که به عشق آل پیغمبر گرفتاریم در راه اسلام هر بلا بر جان خریداریم
با یا حسین و یا ابا الفضل مرد پیکاریم
از لشگر شیرانیم ما گوش بر فرمانیم
با یاری آل الله پیروز هر میدانیم
لَبَّيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ

ترک ۵ - نوحه

فداییان دین و مکتب اسلام سلام خدا بر شهیدان گمنام
 لاله‌های سرخ باغ حسینی یاران انقلابی خمینی
 یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

خوش آمدید ای شهیدان ای زائران دشت کربلایی
 ای مهمانان حضرت ثارالله سلام علیکم یا انصارالله
 یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

ای اختران نور افروز قیامت ما را شفاعت کنید روز قیامت
 نموده اید عاشق کُل دل‌ها را یادتان نرود در محشر ما را
 یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

شما را قسم به آن دستان بسته شما را قسم به پهلو شکسته
 می گویم با سوز و چشمان گریان ما را شفاعت کنید ای شهیدان
 یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

شما را قسم به آن قد خمیده شما را قسم به دستان بریده
 به حق حسین آن کشته عطشان ما را شفاعت کنید ای شهیدان
 یا حسین یا حسین اباعبدالله

به حق آن لحظه که جانش فدا شد سرش به گودال خون از تن جدا شد
 خورده براو تیغ و نیزه غدوان ما را شفاعت کنید ای شهیدان
 یا حسین یا حسین اباعبدالله

ترک ۶ - شور

ما تحت لوای اهل بیتیم مدیون عطای اهل بیتیم

در خط ولایت فقیه و راه شهدای اهل بیتیم

با یاد امام و با یاد شهیدان

در مکتب عترت در وادی قرآن

ما دشمن دشمن خداییم عشاق علی مرتضاییم

از لطف حق و دعای زهرا ما سینه زنان کربلاییم

مولا یا حسین عزیز زهرا

پیروزی مسلمین عالم با نور ولا بود مسلم

ما زاده فاطمیه ایم و فرزند دلاور محرم

بوی ظلم و کینه می رسد به شامه

از سوی دمشق و غزه و منامه

عجل لظهورک یا مولا ای گل پسر غریب زهرا

تا که به ظهور تو ببینیم نابودی صهیونیستیان را

مولا گل فاطمه یا مهدی

ترک ۰۷ - سرود

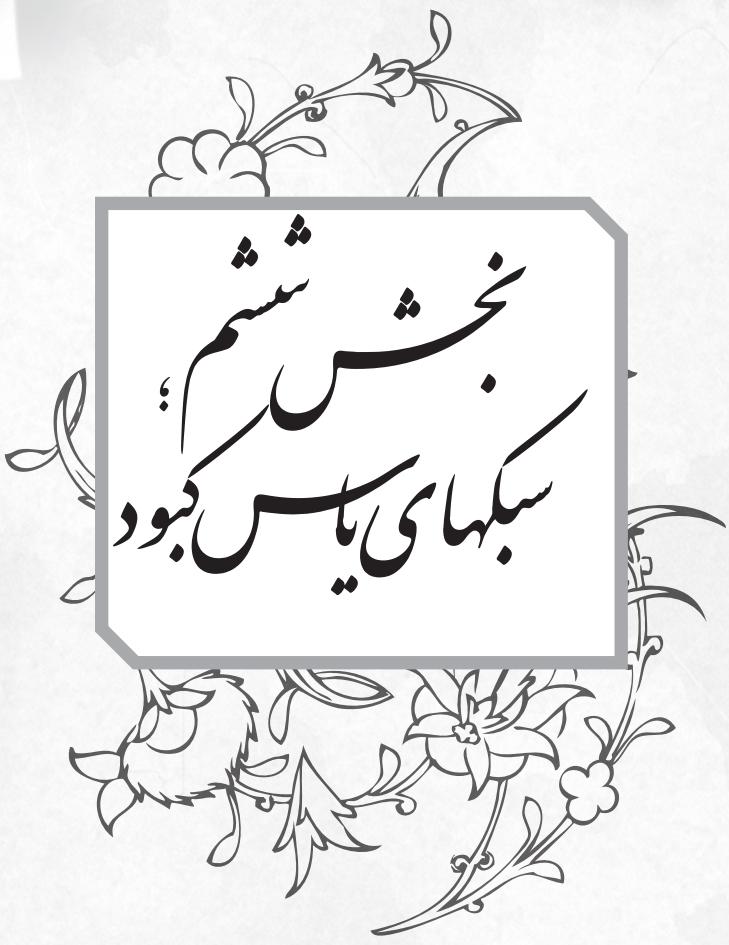
ربیعہ و وقت سرور و ہم عہدی رسیدہ ایام امامت مہدی
 عشق تو تار و پود ما ہمہ ذکر تو رو لبہ بہ زمزمہ
 ہر کاری برا تو کنیم بہ خدا کمہ
 سیدی ای عزیز فاطمہ

برا حسینیٰ ہا عشق تو ایمانہ نہ ربیع مثل نیمہ شعبانہ
 می خونم مدیحہ برای تو با دم ہمہ نوکرای تو
 سیدی جون ما فدای تو سیدی
 سیدی ای عزیز فاطمہ

بہ عالمی منجی بہ عالمی موعود میشہ با تیغ تو وہابیت نابود
 یاور بشریتی آقا دشمن وہابیتی آقا
 روح صلح و بہار امنیتی آقا
 سیدی ای عزیز فاطمہ

نہان بہ دل لعنت می گیم و می شماریم اینہ تبراہی کہ روی لب داریم
 لعنت ابدی بہ دشمنہ فرقہ صہیونیست و آمریکا
 از سوی ہمہ حسینیٰ ہا نوکرا
 سیدی ای عزیز فاطمہ

نخستین
سبکهای پارس بود



ترک ۰۱ - زمینه شهادت امام عسکری علیه السلام

لرزه گرفته دستاش توون نداره پاهاش
 مثل کربلایی هاس خشکی لبه‌اش
 داره سوسومی زنه ستاره تا کهکشوناره سپاره
 دل زمین پراز شراره وای
 همه نفسا میون سینه ذکر لب ما فقط همینه
 توای شمس ولایت توای رکن هدایت به قربان نخ شال عزایت

با چشایی دریایی با صدایی زهرایی
 میگی سید اهلی مهدی کجایی
 چشم تو چشمای تو مهدی دوخته رنگ چهره ات برافروخته
 آخ بمیرم جیگرت سوخته وای
 تادم سحر و قتشه سفر شب جمعه ای میگی با دلبر
 توای قامت قیامت پیمبر گفت سلامت فدایت آخرین نور امامت

ترک ۰۲ - سرود ولادت پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام

همه جا عطر محمد می رسه صدای احمد
آسمون داره می خونه مصطفی به دنیا اومد
سلام به او داده خدا دلا به عشقش میتلا
برای دیدن رخس فرشته ها دست به دعا
مسیح و کلیم و یوسف و خلیل بی تابش
جبرئیل اومده زانو زده پیش اربابش
ابالزهرا ابالزهرا خوش اومدی خوش اومدی یا رسول الله

اومده نبی خاتم رحمته برای عالم
کاش بشه زیر قدمش سرم براش می دادم
با این تولد عظیم جمعه دیگه بساط کفر
با شور و شوق و اشتیاق همه میگن خدا ز شکر
زمین و زمان و صغیر و کبیر محتاجش
نوری ز خدای رحمان و رحیم شد تاجش
ابالزهرا ابالزهرا خوش اومدی خوش اومدی یا رسول الله

الا ای دلای عاشق اومده امام صادق
سرراش دارن ملائک می ریزن گل شقایق
ششم امامه و ولی ذکر لبش مولا علی
رو دست باقر العلوم نور خدا شد منجلی
شهر مدینه و تموم خونه گلبارون
رحمت خدا بر سر همه چون بارون
گل زهرا گل زهرا خوش اومدی خوش اومدی ای گل زهرا

ترک ۰۳ - شور ولادت امام عسکری علیه السلام

به عشق مولا تو دل محشریه می خونه این دلی که حیدریه
تا ابد خاک در عسکریه

خورشید تو صف و می شه مشتری بس که دل از دلها می بری
به خدا محشری توی سرها سری
گل پیغمبری گدا رو می خری
حسن حسن حسن یا حسن عسکری
سیدی مولا مددی

اسمی که غوغاست تو اسما حسنه ضربان دل من یا حسنه
پُری پیالمون با حسنه
آقا تویی و عالم زیر پات آروم نمیشه این دل جزنگات
دامنت ز آقا نگیرم من چرا
با دلم را به راه پرمی زخم سامرا
حسن حسن حسن یا حسن عسکری
سیدی مولامددی

ترک ۰۴ - زمینه وفات حضرت معصومه علیها السلام

کیوتر دلم هوآئیه به سمت حرم تو راهیه
میون حرمت صفائیه یا معصومه
دلم امشب کنار حرمت آرومه
انگار اینجا ضریح فاطمه معلومه
دست خالیم به دامن تو یا معصومه
دلدار و دلبر سالارو سرور
فدات بشم ای شفیعه محشر
یا معصومه

تو داروی همه دردا شدی تو صاحب دلای ما شدی
توزینب امام رضا شدی یا معصومه
به دلای شکسته ماها تابیدی
توپناه همه مراجع تقلیدی
اسم ما ز میون زائرات جا میدی
جون دادی آخر دور از برادر
فدات بشم ای شفیعه محشر
یا معصومه

به دور ما تموم محرما هی گل می ریختن رو سر ما
ولی امون از شام بلا واویلتا
کی دیدم من قد خمیده آقام
کی دیدم من تن کشیده آقام
کی دیدم من سر بریده آقام

اما یہ خواہر بہ زیر خنجر

می بینہ تنہا داداشش بی سر

غریب مادر

ترک ۰۵ - واحد سبک حضرت معصومه علیها السلام

نام خواهر با برادر همیشه با هم عجینه

توی شادی توی غم‌ها بودن با هم شیرینه

بعد خدا بعد پیمبر بعد امام پدر یا مادر

بالاترین عشقه تو دنیا عشق خواهر به برادر

قدر هم بدونیم کنار هم بمونیم

یا الهی می‌خوام امشب بگم از اونکه یه دریاس

توی دنیا بین زن‌ها شبه الناس به زهراس

برا داداشش کشته مُردس توی سینش یه دنیا غصه س

از غم فراق اینقدر زیر لب هاش ذکر روضه س

هی می‌گه که دلخوشیم تو عاقبت می‌کشیم

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۴. سوگنامه آل محمد، محمدی اشتهاردی، قم، ناصر، ۱۳۷۰ ش.
۵. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۵ ش.
۶. محجة البيضاء، فیض کاشانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۷. اصول کافی، کلینی، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۸۱ ق .
۸. إكمال الدین شیخ صدوق، قم، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۹. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۰ ش.

محصولات تولید شده کانون مداحان یاس کبود

ردیف	نام کتاب	موضوع
۱	بهشت خاکی - باران غربت	شوال
۲	امام مهربانی-سلسله عاشقی-مهربانترین پناه	ذی القعدة
۳	بهار ولایت - حرای غدیر- همای غدیر	ذی الحجه
۴	آتش عشق-الظلمه-نوحوعلی الحسین	محرم
۵	صفرنامه - منبر اشک - حماسه وارثین	صفر
۶	خورشید عالمتاب - ربیع الایام	ربیع الاول و ربیع الثانی
۷	یاس کبود - یاس کبود ۲	میلاد حضرت زینب <small>علیها السلام</small> ایام فاطمیه
۸	مادر آسمانی - بانوی باران	میلاد حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> وفات حضرت ام البنین <small>علیها السلام</small>
۹	عطر بهشت - صراط الجنه	رجب
۱۰	نور علی نور - فصل وصل	شعبان
۱۱	هلال نیایش - شبهای بی قراری	رمضان
۱۲	فصلنامه یاس کبود ۲ و ۱	دروس تدریس شده اساتید در اجتماع عمومی اعضای کانون یاس کبود
۱۳	جزوه آموزشی دستگاههای آواز	-----
۱۴	جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی	-----
۱۵	دفتر اول شعر نوجوانان	سطح ۱ آموزش مداحی نوجوانان

سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول - دوره عمومی

- این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.
- مواد درسی بخش اول - دروس مهارتی - عبارت است از:
۱. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
 ۲. آموزش روش انتخاب شعر و سبک گذاری بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
 ۳. آموزش روخوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
 ۴. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
 ۵. اصول و فنون مداحی (خلاصه دروس ارائه شده در جلسات مجمع یاس کبود).

و اما مواد درسی بخش دوم - تربیت و معرفت دینی - عبارت است از:

۱. احکام عمومی. (خلاصه رساله امام خمینی علیه السلام)
 ۲. احکام تخصصی (هیأت). (استخراج از رساله مراجع عظام)
 ۳. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی. (خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)
- و مواد درسی بخش سوم - بصیرت مداحی - عبارت است از:
۱. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
 ۲. کارکردهای هیأت مذهبی
 ۳. هیأت و وظایف مهم آن
 ۴. عبرتهای نهضت حسینی
 ۵. هیأت و آسیبها
 ۶. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم - دوره متوسطه

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول - دروس مهارتی - عبارت است از:

۱. آموزش دستگاه های آواز
۲. آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن آموخته های سبکی در دستگاه های آواز
۳. آموزش ادعیه و زیارات؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
۴. آموزش سبک های مجلسی سنتی
۵. آموزش روش تهیه مجلس دهه محرم شبهای اول تا پنجم

و اما مواد درسی بخش دوم - معرفت دینی - عبارت است از:

۱. قصص انبیاء.
۲. مقتل امام حسین علیه السلام.
۳. تاریخ شهادت معصومین علیهم السلام.
۴. آیین روضه خوانی.
۵. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم - بصیرت مداحی - عبارت است از:

۱. اهداف نهضت عاشورا.
۲. عزاداری، سنت یا بدعت.
۳. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
۴. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

سلسله کتب آموزش مداحی جلد سوم - دوره تکمیلی

این کتاب شامل سه بخش عملی، تئوری و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول - دروس عملی - عبارت است از:

۱. آموزش مولودی خوانی شامل آموزش شعرخوانی و سرودخوانی.

۲. آموزش انتخاب شعر مولودی خوانی و کاربردی کردن آموخته های سبکی در فصل قبل.

۳. آموزش تهیه مجلس دهه محرم؛ شبهای ششم تا یازدهم، مصائب کوفه و شام و اربعین.

۴. آموزش تهیه مجالس معصومین. علیهم السلام

۵. آموزش دستگاههای آواز.

و اما مواد درسی بخش دوم - تئوری - عبارت است از:

۱. اخلاق.

۲. آداب دعا و مناجات.

۳. تاریخ اجتماعی سیاسی ائمه.

۴. اصول عقاید.

۵. ادبیات عربی.

و مواد درسی بخش سوم - بصیرت مداحی - عبارت است از:

۱. عاشورا و رسالت نخبگان.

۲. حادثه عاشورا و نقش مثبت و منفی خواص.

۳. امام حسین علیه السلام پیشوای اصلاح طلبی اصول گرایانه.

۴. حماسه عاشورا و معیارهای عزت و ذلت ملتها.

محصولات با شماره ۳۵۹۴۷۷۳۸ تماس حاصل فرمایید.